

محک

محک ۲۰ ساله شد!

خبرنامه مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
شماره ۴۸ سال ۱۳۹۰

- بخش ویژه ۲۰ سالگی محک
- اولین همایش بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرطان کودک



سازمانی

محک

به هم‌نوع سرچشمه گرفته و

است که از انگیزه والای کمک

توجه خود را معطوف بیماری سرطان کودکان در سطح ملی و بین‌المللی و در

حوزه‌های امور خیریه، درمان و تحقیقات نموده است. حمایت همه‌جانبه از کودکان مبتلا به

سرطان و خانواده آنان در بخش خیریه، درمان کودکان مبتلا به سرطان در چهارچوب منشور

حقوق بیمار و بر اساس جدیدترین و کارآمدترین روش‌ها و آخرین دست‌آورد‌های علم

پزشکی در بخش درمان و انجام تحقیقات علمی در زمینه بیماری سرطان برای کشف علل بروز

بیماری، روش‌های تشخیصی، پیشگیری و روش‌های نوین درمان مأموریت این سازمان است.

این سازمان خیریه، غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیردولتی است و با اتکاء به جلب مشارکت

های مردمی و انواع کمک‌های بشر دوستانه اعم از نقدی، کالا، خدمات و دانش

فنی اداره می‌شود. کارکنان و داوطلبان صمیمانه در کنار یکدیگر برای

تحقق اهداف بشر دوستانه محک تلاش می‌کنند. محک نه تنها به

سرطان کودکان می‌پردازد بلکه اندیشه والای کمک به

هم‌نوع را ترویج می‌نماید. شفافیت، اعتماد

سازی و پاسخگویی ممتازترین

ویژگی‌های محک

هستند

محک یعنی عشق



خبرنامه مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان "محک"

شماره ۴۸، سال ۱۳۹۰

سردبیر: فرخ امیرفریار

مدیر داخلی: صبا کامکار

دبیر تحریریه: افسانه سمیعی تلفن: ۲۳۵۰۱۲۹۰

تحریریه: افسانه سمیعی، علی ترابی، امینه نیکخواه

صفحه آرایی و طراحی: حورا معین فر

تصویرگر: لیدا معتمد

عکاسان: علی فرید، علیرضا جعفرزاده، علی مزارعی، لیلی کاردان

همکاران این شماره: غلام رضا جمشیدی، مهدیه زاهدی، الهام السادات انصاری، هستی فیروزی

چاپ و لیتوگرافی: چاپ رواق / ۶۶۶۴۹۶۴۴

این خبرنامه بر روی سایت محک قابل مشاهده و ذخیره کردن است: www.mahak-charity.org

نشانی دفتر محک در تهران:

• **دفتر مرکزی:** ابتدای بزرگراه ارتش، سه راه ازگل، بلوار شهید مژدی، بلوار محک، مؤسسه خیریه و بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان «محک»
تلفن: ۲۳۵۰۱۰۰۰ ، جلب مشارکت: ۲۳۵۴۰ ، تضمین کیفیت (پیشنهادهای و انتقادات): ۲۳۵۰۱۱۸۰ ، نمابر: ۲۲۴۸۵۴۵۶ • **دفتر ستارخان:** تهران، خیابان ستارخان، سه راه تهران ویلا، خیابان شهید صفویان (خیابان چهارم)، شماره ۵۵ ، تلفن: ۶۶۵۵۴۰۸۱ / ۶۶۵۰۴۱۳۶ • **دفتر چیذر:** تهران، میدان چیذر، میدان ندا، ساختمان ندا، شماره ۴۳ ، تلفن: ۲۲۲۱۳۹۴۶ ، تلفکس: ۲۲۲۰۱۳۱۲ • **دفتر ملت:** تهران، خیابان ولی عصر، روبروی پارک ملت، نبش کوچه صداقت، برج ملت، طبقه همکف تجاری، شماره ۳۶ ، تلفن: ۴-۲۲۰۳۷۴۷۳ • **دفتر گلستان:** شهرک غرب، فاز ۱، مرکز خرید گلستان، هسته مرکزی، جنب فروشگاه سلیم اپتیک • **دفتر کرج:** کرج، خیابان دانشکده، جنب مدرسه دهخدا، نبش خیابان اوجانی، طبقه فوقانی بانک تجارت ، تلفن: ۰۲۶۱-۲۲۲۰۱۷۷ / ۰۲۶۱-۲۲۵۵۹۵۵ • **دفتر فرودگاه:** فرودگاه بین المللی امام خمینی، ترمینال پروازهای خارجی (طبقه اول)، ضلع شرقی ، تلفن: ۵۱۰۰۷۵۹۲

تمامی دستگاه های خودپرداز بانک های ملی، صادرات و کشاورزی در سراسر کشور گزینه " کمک به محک " را دارند.

شماره حسابهای محک:

• بانک صادرات (سپهر): ۰۱۰۴۴۴۰۴۴۴۰۰۰ • بانک سامان: ۱-۵۰۰-۸۲۰-۸۱۰-۸۰۱ • بانک پاسارگاد: ۱-۴۴۴۶۴۴۴-۸۱۰-۲۶۳
• بانک اقتصاد نوین: ۱-۴۸۴۴۴۴۴-۸۵۰-۱۳۵ • بانک پارسیان: ۹-۴۴۴۴-۸۱۰ • بانک ملی: ۱۰۵۰۵۸۱۸۱۰۰۱

فهرست مطالب:

پیام مدیر عامل	۶	• بازدید شهردار منطقه یک تهران از محک	۳۵
یادداشت سردبیر	۷	• جشن شروع سال نو در محک	۳۶
بخش ویژه ۲۰ سالگی محک	۸	• روز پرستار در محک	۳۷
مصاحبه	۱۰	• گل های شادی در قلب کودکان محک	۳۸
با هنرمندان	۱۸	• گزارش ویژه	۴۲
گزارش تصویری	۲۰	• گزارش اولین همایش بین المللی مسئولیت اجتماعی شرکت ها	۴۲
داستان های موفقیت	۲۴	• بیانیه همایش	۴۹
داستان های کودکان	۲۷	• پروژه های مسئولیت اجتماعی شرکت ها	۵۰
اخبار محک	۳۰	• معرفی خیریه	۵۴
دیدار هنرمندان با کودکان محک	۳۰	• معرفی انجمن خیریه "امید"	۵۴
بازار نیکوکاری هدایای نوروز محک	۳۲	• پرسش و پاسخ	۵۵
بازدید مجری کودکان دیروز از محک	۳۲	• معرفی کتاب	۵۶
جشن پایان سال کودکان محک	۳۳	• International	4
افتتاح دفتر محک در فرودگاه امام خمینی (ره)	۳۴	• Conversation with the founder of mahak	4





در سال ۱۳۹۰، مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان با نام اختصاری "محک" به سومین دهه فعالیت خود وارد می شود. یکی از مفاهیمی که امروزه با استفاده از آن رشد و تغییر سازمان ها را تحلیل می کنند، چرخه زندگی سازمان است. بر اساس مطالعات انجام شده بر روی شمار زیادی از سازمان ها در زمینه ایجاد ساختار سازمانی، شیوه اداره سازمان و سیستم های اداری و عملیاتی آن از یک الگوی نسبتاً قابل پیش بینی پیروی می کنند. این الگو شامل چهار مرحله است که عبارتند از:

- مرحله کارآفرینی
- مرحله همکاری یا شریک مالی
- مرحله رسمی شدن
- مرحله تدبیر اندیشی

بررسی تاریخچه محک در بیست سال گذشته و تحلیل شرایط امروز آن نشان می دهد، مؤسسه محک با پشت سر گذاشتن مراحل کارآفرینی، همکاری و رسمی شدن در سومین دهه حیات خود وارد چهارمین مرحله از چرخه زندگی که مرحله تدبیر اندیشی است خواهد شد.

عبور موفقیت آمیز از سه مرحله قبلی حاصل تلاش صادقانه، عاشقانه و دلسوزانه هزاران انسان پاک نهادی بوده است که دست در دست یکدیگر هدفی انسانی را دنبال نموده اند. این تلاش در اولین گام ها با نیت و اندیشه بنیانگذار مؤسسه در مرحله کارآفرینی آغاز شد و امروزه خانواده بزرگ محک با اتکاء به خرد جمعی بهترین تدابیر برای تحقق اهداف انسانی، سازمانی را اتخاذ کرده و حاصل این تلاش ها کودکان بهبود یافته از بیماری سرطان هستند که خوشبختانه تعداد آن ها هر روز بیش از گذشته است. صمیمانه قدردان تلاش های بی بدیل شما یاوران گرامی و اعضا محترم خانواده بزرگ محک می باشم.

مباد این جمع را یا رب غم از باد پریشانی
(حافظ)

یکی از مسائل جامعه ما، عدم تداوم طولانی فعالیت مؤسسه ها و سازمان هاست. شرکت ها و بنگاه های اقتصادی و مؤسسه های فرهنگی و هنری و رسانه ای اغلب عمری طولانی ندارند. در این مختصر مجال آن نیست که به دلایل این مسئله بپردازیم. فقط اشاره می کنیم که این امر باعث زیان های اقتصادی و اجتماعی زیادی می شود. با تعطیلی هر مؤسسه عده ای بی کار می شوند، دارایی و ثروت مؤسسه از میان می رود و تجربیات اندوخته شده توسط آن نیز فراموش می شود. از این رو، هر چند ما تاریخی کهن داریم، اما این تاریخ در سراسر خود با توقف و گسست در بسیاری زمینه ها مواجه است.

در یکی از سایت های معتبر خبری، نوشته ای توجه ام را جلب کرد که درباره قدیمی ترین شرکت مقاطعه کاری ژاپن بود. تصور می کنید این شرکت که هم اکنون نیز فعال است چند سال سابقه دارد؟ صد سال؟ دویست سال؟ خیر، آغاز به کار این شرکت هم زمان با پادشاهی سلسله ساسانیان در ایران بوده است!

تداوم کار مؤسسه ها در کشورهای پیشرفته امری رایج است. اگر به برجسب کالاهای مصرفی نگاه کنید حتی چیزهای به ظاهر کوچک مانند کبریت، شکلات و ... می بیند که اغلب سابقه ۱۰۰ تا ۱۵۰ ساله دارند و این البته در مورد نشریات و سازمان های غیراقتصادی هم مصداق دارد. اکنون اگر بررسی کنیم تا بدانیم در ایران چند مؤسسه است که سابقه بیش از صد سال دارد، احتمالاً به رقم قابل توجهی نمی رسیم.

با توجه به آن چه گفته شد، این که محک عمری بیست ساله یافته است، نقطه مثبتی در فعالیت مؤسسات ایرانی محسوب می شود. این موفقیت را باید از سویی به محک، و از سوی دیگر به نیکوکاران

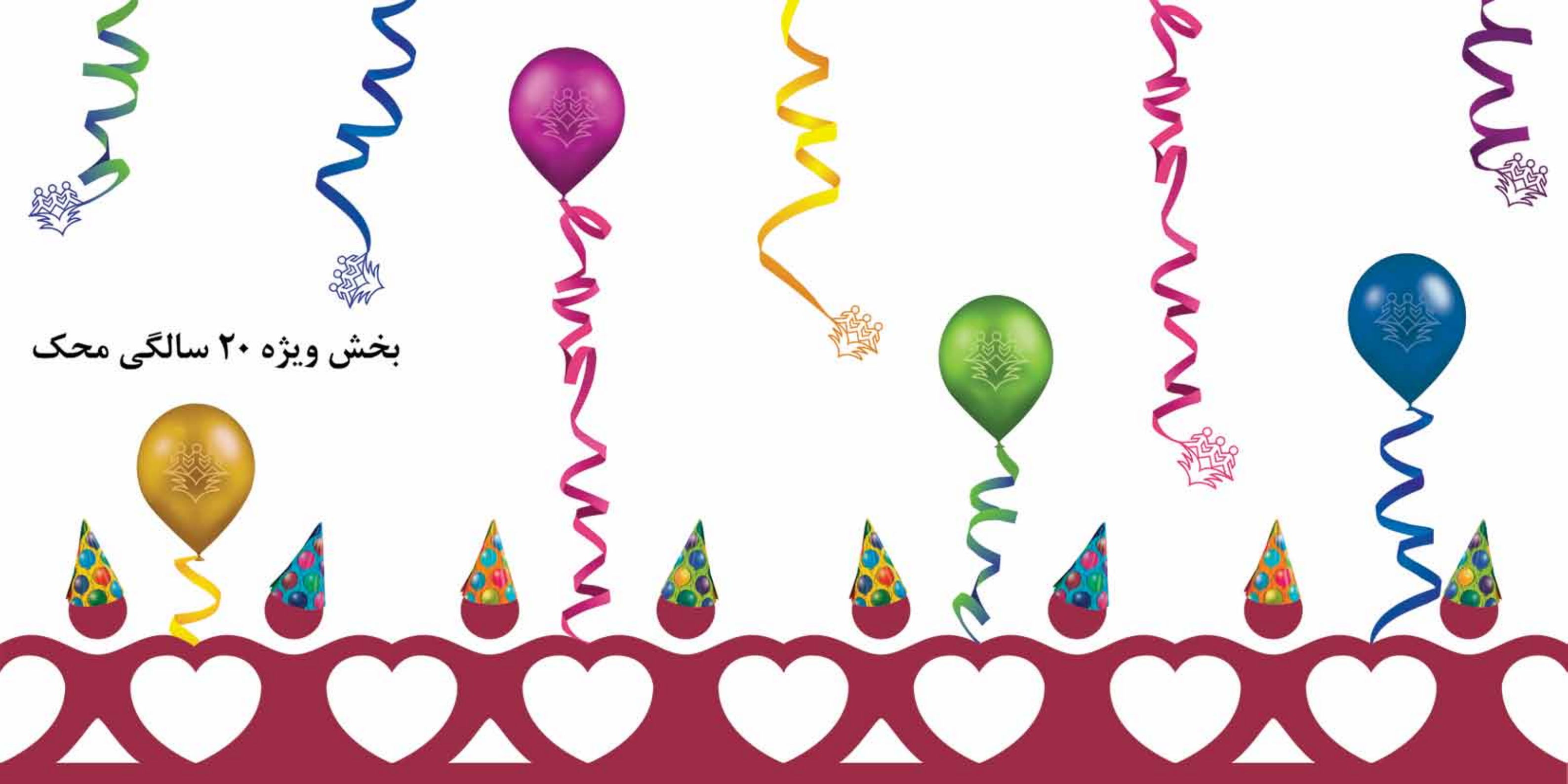


ایرانی تبریک گفت.

اکثریت خوانندگان این یادداشت، با جزئیات فعالیت ها و خدمات محک آشنا هستند. در این جا اگر بخواهیم به دو دستاورد عمده محک اشاره کنیم، باید بگوییم که نخستین دستاورد آن، این بوده است که در سطحی وسیع، جامعه را با موضوع بیماری سرطان کودکان آشنا کرده است. اما دستاورد دوم که شاید از اولی هم مهم تر است، امیدی است که محک با فعالیت ها و موفقیت هایش در کودکان بیمار و خانواده هایشان برانگیخته است. محک در عمل نشان داده که بیماری سرطان، پایان زندگی کودک نیست. هرچند در مواردی ممکن است کودکی معالجه نشده باشد، اما مهم این است که بسیاری از کودکان معالجه شده و محک با امید به پیروزی بر این بیماری کارش را ادامه می دهد.

ایوان کارامازوف، قهرمان رمان (برادران کارامازوف) نوشته داستایوفسکی در جایی از این رمان می گوید: مرگ کودکان بیش از هر چیز دیگری این میل را در او بر می انگیزد که بلیت ورود خودش را به دنیا پس دهد. اما در رمان می بینیم که او بلیت خود را پس نمی دهد. او به مبارزه و مهر ورزیدن ادامه می دهد، او به ادامه دادن ادامه می دهد.

بخش ویژه ۲۰ سالگی محک



گفتگو با سعیده قدس بنیانگذار محک

سعیده قدس متولد ۱۳۳۰ در دره زیبای گلابدره حوالی دربند است. جایی که الهام بخش طراوت کلام و شیوایی قلم اوست. صدای رود، شکوفه های گیلان، آلبالو، درختان گوجه سبز و میوه های رسیده آبدارشان همه و همه منابع ذهن پرتراوت او هستند.

قدس دانش آموخته رشته جغرافیا از دانشگاه تهران است. آخرین شغل اش کارشناس روابط بین الملل صنایع بوده است و هم زمان عشق به کره زمین و طبیعت را با فعالیت های مستمر در جهت حفظ محیط زیست نشان داده است.

وی هم چنین، داستانی با عنوان کیمیاخاتون نوشته که با استقبال فراوان خوانندگان روبرو و بارها تجدید چاپ شده است. بعد از ازدواج به کشور آلمان رفته و در آن جا زبان و ادبیات آلمانی را فرا گرفته است. مهربد و کیانا دو فرزند سعیده قدس، هم اکنون در مدارج عالی در حال تحصیل هستند.

اما نقطه عطف زندگی وی، بنیانگذاری مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان «محک» است. وی در سال ۲۰۰۸، برنده جایزه بانک توسعه اسلامی شد و در فهرست روزنامه وال استریت جورنال به عنوان یکی از پنجاه زن برتر در سال ۲۰۰۸ از دید این روزنامه معرفی شده بود و نام وی به دلیل نقش کلیدی و مؤثر در مشارکت و امور توسعه اجتماعی در جایگاه چهل و پنجم قرار داشت.



محک چگونه پدید آمد؟

به دنبال بیماری دخترم کیانا، فکر حمایت از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده هایشان در ذهن من پیدا شد. یکی از روزهای زمستان ۱۳۶۷ در معاینه معمولی و دوره ای کیانا، متوجه بیماری او شدیم. کودک دو ساله من، درگیر نوعی بیماری شده بود که از شنیدن نام آن مردم به خود می لرزیدند. با شنیدن خبر بیماری فرزندم مانند هر مادر دیگری، وارد مرحله طغیان و نپذیرفتن حقیقت شدم. در آن زمان گمان می کردم سرطان بیماری است که انسان های نفرین شده به آن مبتلا می شوند و پایان سرطان را مرگ می دیدم. زمان زیادی لازم بود تا بالاخره با آگاهی هایی که از طریق مطالعه و گفتگو با پزشکان و اطرافیانم به دست آوردم، متوجه شدم که سرطان یک بیماری است که علم پزشکی راه های مختلفی برای درمان بعضی از انواع آن یافته و مانند هر بیماری دیگر، شیوه های درمان خودش را دارد.

در مسیر درمان دخترتان با چه مشکلاتی روبرو بودید؟
مشکلات بسیاری در راه درمان کیانا در مقابل ما بود: داروهای وارداتی گران قیمت و بسیار نایاب، رفتار غیردوستانه پرستارها و پزشکان در مقابل بی طاقتی من، عدم منابع اطلاعاتی کافی درباره بیماری سرطان و عوارض داروها...، که همه این ها بار بیماری کیانا را سنگین تر می کرد.

ایده محک چگونه شکل گرفت؟

پدران و مادرانی را می دیدم که برای درمان فرزندشان از شهرستان به تهران می آمدند. با مشکلات مالی فراوان دارو تهیه می کردند و هنگام درمان فرزندشان به دلیل این که جایی نداشتند، شب را در حیاط بیمارستان و یا گوشه خیابان می گذراندند. با توجه به این که سرطان بیماری نیست که با یک بار به تهران آمدن درمان

شود و درمان آن شاید سال ها به طول بیانجامد، این مشکلات گاهی سبب نابود شدن یک خانواده می شد. از این رو وجود امکاناتی برای اسکان آن ها به شدت لازم بود و فکر من دائماً مشغول به این بود که چه می توان کرد؟

بسیاری از این مشکلات را من در آن زمان نداشتم، ولی دیدن این مشکلات برایم بسیار ناگوار بود. در آن زمان تنها کاری که قادر به انجام آن بودم، تقسیم کردن امکاناتم با آن ها بود.

اما ایده اولیه؟

هنگامی که برای انجام بعضی آزمایش ها که در آن موقع در ایران انجام نمی شد به آلمان رفتم، با گروهی از والدین کودکان مبتلا به سرطان آشنا شدم. مشاوره و همراهی انجمن آنان، بسیار به من کمک کرد. با مطالعه اساسنامه انجمن و آشنایی با این تشکل و سازمان آن، به فکر افتادم که نظیر چنین انجمنی را در ایران تشکیل دهم؛ ولی در تشکیل این انجمن موفق نشدم، زیرا در ایران کنار هم قرار دادن والدین با فرهنگ های متفاوت که هر کدام از آن ها کوله باری از مشکلات معیشتی و روحی را به دوش می کشیدند، ممکن نبود. والدین متمکن هم اگر کودکشان فوت کرده یا بهبود یافته بود، بیماری فرزندشان را یک راز خانوادگی می دانستند که نمی خواستند مطرح و درباره آن صحبت کنند.

پس تصمیم گرفتم به جای والدین کودکان مبتلا به سرطان، گروهی از دوستان، خانواده و پزشکان کیانا را جمع کنم تا با یاری آن ها، به کودکان مبتلا به سرطان و خانواده هایشان کمک برسانم.

نخستین هم فکران و همراهان شما چه کسانی بودند؟
در ابتدا یک لیست ۱۰۰ نفره از اقوام و دوستان تهیه کردم.



چرا مؤسسه را محک نامیدید؟

فعالیت محک با حضور مددکاران در بیمارستان های دولتی و دانشگاهی انجام می شد. به صورتی که مددکارها ضمن حمایت های روانی از والدین، در جهت برطرف کردن نیازهای معیشتی و درمانی آنان نیز اقدام می کردند. این مددکارها به دلیل کارت های شناسایی شان که بر روی آن ها نوشته شده بود: «مؤسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان»، دچار مشکل می شدند، زیرا خانواده ها نمی خواستند خود کودک و ملاقات کنندگان نام سرطان را ببینند چون تابوی نام سرطان وجود داشت، بنابراین با تلفیق اولین حرف کلمات «مؤسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان» نام محک را برگزیدیم که البته امروزه این واژه، معنایی ژرف در بین یاوران محک یافته است.

لوگوی محک بر اساس چه مفهومی طراحی شد؟

لوگوی محک توسط خانم فرح اصولی نقاش معاصر طراحی شد. در این طرح از برگ، به عنوان نماد حیات و زندگی استفاده شده که کودکان را در بر دارد.

بعد از تأسیس محک درمان کیانا در چه مرحله ای بود؟

او در سال ۷۱ قطع درمان شد ولی تا سال ۷۳ معاینه های دوره ای اش ادامه داشت.

اولین دفاتر محک در کجاها بودند؟

ابتدا در منازل یکدیگر جمع می شدیم، بعد در شرکت بوتان یک اتاق توسط مهندس محسن خلیلی، عضو هیأت امنای محک و رئیس هیأت مدیره بوتان در اختیار ما گذاشته شد، مدتی نیز در دفتر اسفندیار مبشری مهندس مشاور و عضو هیأت امنای محک جمع می شدیم.

موضوع را با آن ها در میان گذاشتم، خوشبختانه حدود نیمی از آن ها اظهار تمایل کردند. جلسه هایی را به صورت دوره ای در خانه هایمان برگزار می کردیم و برنامه ریزی هایی برای حمایت از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده هایشان انجام می دادیم. اما در انتها فقط بیست تا بیست و پنج نفر به طور مستقیم یا غیر مستقیم ماندند. این ریزش به علت دشواری ثبت و ساماندهی کارهای سازمانی اتفاق افتاد و آدم ها خسته شده بودند. اگر لازم باشد بگویم اولین فردی که با تمام وجود قد علم کرد و این ایده را به ساحت عمل کشانید، باید خانم شهلا طاهری را نام ببرم. البته بعداً کمیته های متعددی تشکیل شد که خانم ها هر یک عهده دار مدیریت یک کمیته شدند. مثلاً خانم سہی شکرایی (مددکاری)، خانم آذر کیوان (روابط بین الملل) و خانم ژیلا محمدی (روابط عمومی) را بنیان گذاری کردند.

گروهی از هم فکران و همراهان اولیه خود را نام ببرید.

شهلا طاهری، سہی شکرایی، سہیلا سیاهپوش، آذر کیوان، ژیلا محمدی، فریده صباغ، اولین خمسی، ماهر و مظفری، کتایون نامی، لادن آراسته، فرخ امیرفریار، محترم طاهربازیان، فروغ اعظم بختیار

محک را در چه سالی به ثبت رساندید؟

هم زمان با فعالیت های مددکاری در بیمارستان های دولتی و دانشگاهی، مقدمات ثبت مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان را از سال ۶۸ آغاز نمودم. بر این باور بودم که مؤسسه نمی تواند تنها با اتکا به شخص این راه را طی کند، بنابراین در سال ۱۳۷۰ محک با نام مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان به ثبت رسید تا از امکانات خیر خواهانه گروه وسیع تری بهره مند شود.

سپس در دفتر صمد طاهری عضو هیأت امنای محک و مدیر عامل بیمارستان تهران کلینیک یک اتاق به ما داده شد، بعد مکانی کوچک را در محله چیدر اجاره کردیم و کمیته های مختلفی مانند جلب کمک های مردمی را تشکیل دادیم تا فعالیت های گوناگون را طراحی و پیاده سازی کنند.

در کمیته جلب کمک های مردمی چه فعالیت هایی انجام می دادید؟
تشکیل کنسرت ها و نمایشگاه های مختلف، تهیه و توزیع قلک و عضوگیری. فعالیت اولیه ما در جلب کمک های مردمی بود.

اولین قلک محک به چه شکل بود؟

اولین قلک های محک توسط خانم مینو کازرونی هنرمند برجسته، به شکل خرچنگ درست شد. تولید این قلک بسیار زیبا و فاخر، به صرفه نبود، بنابراین به طرح قلک مستطیلی و به تدریج به قلکی که اکنون در خانه ها است، رسیدیم. قلک، سمبل محک و یکی از راه های ارتباط آن با علاقه مندان است.

اولین عضو محک چه کسی و چه مقدار حق عضویت داد؟

عضویت یکی از موارد تعریف شده در اساسنامه بود. در جمع های دوستانه و اولیه در واقع همه عضو محک بودند و اولین هزینه ها توسط آن ها پرداخت می شد. ولی اولین عضو محک که در سیستم عضویت ثبت شده، خانم شهلا طاهری بود و اولین حق عضویت ها از ۲۰۰ تومان آغاز می شد.

اولین سرمایه ی محک برای ثبت چقدر بود و توسط چه کسی پرداخت شد؟

اولین سرمایه محک مبلغ صد هزار تومان بود که توسط مادرم سرکار خانم بدرالسادات افقهی پرداخت شد. به یاد دارم که برای

هزینه های جاری، ابتدا هر کدام از افراد گروه، مبلغی در حدود ده هزار تومان پرداخت کردند.

آیا همه در محک داوطلبانه کار می کردند؟

بله. در اولین دهه همه داوطلبانه کار می کردند و دو نفر کارمند اولیه یعنی خانم جمیله فکری و آقای محمد دژم خیز هم هرچند حقوق اندکی دریافت می کردند ولی چندین برابر یک کارمند به سازمان خدمت کرده و عشق می ورزیدند. هنوز هم محک به آن ها و همه گروه اولیه که شامل هیأت مدیره، هیأت امنای و ده ها بانوی پیشکسوت است، متکی می باشد.

در مجموع چه مشکلاتی برای تأسیس محک سر راه وجود داشت؟
اولین و مهم ترین مشکل این بود که جامعه باور نمی کرد که کودکان هم به سرطان مبتلا می شوند و نیز پرستشی که مدام از روی نا آگاهی تکرار می شد این بود که چرا باید برای کودکی که مبتلا به سرطان است هزینه کنیم؟ بهتر نیست این هزینه صرف



کودکان نابغه و سالم شود؟ بسیاری از کودکان مبتلا به سرطان بهبود می یابند و اگر کودک مبتلا به سرطانی از فقر فوت کند، خانواده وی نیز نابود می شود. یکی دیگر از مشکلات ما، تردید برخی از افراد بود که آیا ما صرفاً قصد کمک به کودکان مبتلا به سرطان را داریم یا اهداف دیگری را دنبال می کنیم؟

نیازهای خانواده هایی که درگیر بیماری فرزندشان بودند بیشتر شامل چه چیزهایی می شد؟

دارو، محلی برای اسکان، رعایت احترام از سوی پرستاران و پزشکان، داشتن منابع اطلاعاتی کافی درباره بیماری، تغذیه صحیح و آگاهی از عوارض دارو، هم چنین عدم پذیرش بیماری کودک شان و طغیان خانواده ها، نیاز به روانشناسان و مددکاران را نشان می داد.

مهم ترین هدفی که در محک دنبال می کردید؟

یکی از مهم ترین اهداف و دل مشغولی های من، حفظ منزلت انسانی خانواده ها و فراهم کردن شرایطی بود که خانواده ها حداقل رنج را متحمل شوند.

چه زمانی احساس کردید به هدف های اصلی خود در محک رسیده اید؟
هنگامی که ۷-۸ سال از تأسیس محک گذشت، شاهد رشد انجمن های حمایت از کودکان مبتلا به سرطان بودم. این مشکل توسط جامعه پذیرفته شد و کودکان مبتلا به سرطان و خانواده هایشان در معرض توجه قرار گرفتند و تشکل های بسیاری برای حمایت از آن ها تشکیل شد.

ساختمان تهران ویلا چگونه و برای چه منظوری شکل گرفت؟
مرکز رفاهی تهران ویلا با تلاش خانم رعنا جوادی و همسرشان، هنرمند گران قدر شادروان بهمن جلالی، ازطرف شهرداری

منطقه ۶ در اختیار محک قرار گرفت. ایشان ۱۰۰ قطعه عکس از وضعیت خانواده های بیمارانی که در کنار دیوار های بیمارستان ها و یا میدان های شهر سکنی گرفته بودند تهیه کرد و با این عکس ها به شهرداری مرکز رفت و با تلاش و پی گیری مستمر ایشان و سرکار خانم ژیلا محمدی از یاوران ارزشمند محک، ساختمانی ۴ طبقه در خیابان تهران ویلا در اختیار محک قرار گرفت. روزهای نخست برخی افراد شیشه های ساختمان را می شکستند و حتی تابلوهایی را که روی آن ها کلمه سرطان بود می کردند. من برای اولین بار در زندگی دیدم افرادی که ابداً به چیزی اعتماد نداشتند بعداً به آن اعتماد پیدا کردند. همان هایی که تابلوها و شیشه ها را می شکستند، امروز دفتر محک را مأمنی برای خود می دانند و کلیه کمک ها و نذورات خود را به همان دفتر اهدا می کنند.

اولین بازارهای محک در کجا و با فروش چه اقلامی برگزار شد؟

بازارهای اولیه محک در مرکز اجتماعات برج اسکان برگزار می شدند، مجوز برگزاری را خانم ماهرو مظفری که ساکن آن جا بود، از مدیریت ساختمان می گرفت. مدیریت اولین بازارها نیز با خانم لادن آراسته، سهیلا سیاهپوش و ژیلا محمدی بود. آن چه در بازارهای محک عرضه می شد، حاصل هنر دست هنرمندان و بانوانی بود که با عشق و سلیقه اجناس بازار را مهیا می کردند. مثلاً خانم خمسی یک هفته شب ها نمی خوابیدند تا کیک آلمانی برای بازار درست کنند، چای را به صورت عمده خریداری و درکیسه های کوچک گونی شکل می ریختند و با گل تزئین می کردند. بازارهای محک پر بود از گلدوزی های دستی، سفال ها و شمع ها که با طرح های مختلف عرضه می شدند. عواید اولین بازار محک را در خاطر ندارم ولی دومین بازار با ۳۰ میلیون تومان درآمد، صدها عضو و یاور و داوطلب برای محک آورد.



ساختمان دارآباد چگونه ساخته شد؟

یکی از مهم‌ترین اهداف محک حمایت از خانواده‌های کودکان بیمار بود. حمایت معنوی و معیشتی آن‌ها در طول درمان کودک بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از والدین شهرستانی که برای درمان فرزندشان به تهران می‌آمدند محلی برای اقامت نداشتند، گاهی فرزندان کوچک‌تر از کودک بیمار نیز مشکلات را دوچندان می‌کردند. پس جایی برای اسکان آن‌ها یکی از الویت‌های ما بود.

با توجه به این مسائل، با عوایدی که از بازار به دست آورده بودیم، در صدد خرید زمینی برای ساخت اقامتگاه برآمدیم. پس از تلاش بسیار موفق به خرید زمینی به مساحت ۴۴۰۰ متر از زمین شهری در بالای تپه‌های زیبای دارآباد شدیم. هزینه ساخت آن از دغدغه‌های ما بود تا آن‌که دکتر جواد کرباسی زاده که برای برآوردن آرزوی همسر خیرخواه و انسان دوست خود مبنی بر ساخت بیمارستان برای بیماران مبتلا به سرطان به ایران آمدند. زنده یاد مجتبی کاشانی مقدمات آشنایی من را با ایشان فراهم آورد و پس از اطلاعات جامعی که در اختیار ایشان گذارده شد مهندس خاکپور از حامیان بزرگ محک هم پروژه ساختمان را برای اقامتگاه طراحی کردند.

دکتر کرباسی زاده مدارک زمین و طرح پروژه را گرفت و قرار شد بعد از مطرح کردن آن با همسرشان که در فرانسه بود، نظرشان را به ما بگوید. یک هفته بعد ایشان با من تماس گرفت و موافقت خود را در خصوص پروژه اعلام کرد، اما با یک تفاوت؛ همسر ایشان تأکید داشتند که پروژه محک به صورت بیمارستان اجرا شود. در سفر بعدی ایشان به تهران، ضمن بازدید از زمین و شرایط محیطی آن، موافقت قطعی خود را اعلام کرد. در مراسم کلنگ زنی پروژه، ثانی نژاد شهردار وقت ناحیه مجوز ساخت را افزایش داد و پروژه ساخت محک با سرمایه‌گذاری دو میلیارد تومان از طرف دکتر جواد کرباسی زاده شروع شد. ساختمان در مرحله سفت کاری بود که افسانه دبیری



(همسر دکتر کرباسی زاده)، با وجود بیماری خود، طی سفری به ایران، به محک آمد و با دیداری که از کارگاه داشت خاطره فراموش نشدنی برای همه باقی گذاشت و از ساخت این بنا اظهار خرسندی بسیار کرد. با تأسف بسیار هنگام افتتاح بیمارستان ایشان دیگر در میان ما نبود و به یاد خاطره ایشان ۲۵ خرداد روز سفر روحانی ایشان را روز محک و نیکوکاری نام گذاری کردیم. بیمارستان محک در سال ۱۳۸۶ افتتاح شد.

درباره آینده محک چه فکر می‌کنید؟

نظر به حضور پزشکان و اساتید دانشمند و مدیران مدبر در ارکان این سازمان، مطمئن هستم اگر حادثه غیر قابل پیش بینی روی ندهد، محک چه به عنوان یک سازمان خیریه مردم نهاد و چه به عنوان یک بیمارستان فوق تخصصی، الگویی بی بدیل برای سایر نهادهای مشابه و نمودی از توان مردم در خلق و حمایت آرمان‌های زیبای انسانی باقی خواهد ماند و در سطح ملی و منطقه‌ای نمونه بهترین استانداردهای بین‌المللی برای کودکان مبتلا به سرطان و خانوادهايشان خواهد بود. به زودی یا شاید اکنون می‌توانیم مدعی باشیم که یک کودک ایرانی که مثلاً از زابل به محک آمده، از همان استانداردهای درمانی کودکی در شهرهایی چون لندن و نیویورک برخوردار می‌باشد.

در پایان آرزو می‌کنم با همت مردم دریادل میهنم، نهادهای مشابهی برای حمایت کلیه بیمارانی که درمان‌های سخت و پرهزینه دارند پایه‌گذاری شود تا مانند کودک مبتلا به سرطان و والدینش در پناه همدلی متعالی مردم با اطمینان خاطر و اعتماد به خدمات ارائه شده و امید فراوان به آینده بنگرند.

سخنان هنرمندان درباره محک

هنرمندان حامیان همیشگی محک هستند که با هنر خود یاری رسان کودکان مبتلا به سرطان و خانواده هایشان می باشند؛ این صفحه را بهانه ای قرار داده ایم برای انعکاس سخنان این هنرمندان گرانقدر درباره محک.

احمد رضا احمدی

من حس تخیل خود را با کودکان تقسیم می کنم. دنیایی که من برای کودکان می گویم پر از رنگ و رنگین کمان و زیبایی است. دنیای کودکان همه رنگ است و رنگ سیاه باید از آن حذف شود. به محک و داوطلبان آن تبریک می گویم، کسانی که همدم بچه ها و شریک غصه های آن ها هستند آدم های بزرگی هستند. کار زیبا و هنری فقط سرودن شعر و نواختن موسیقی نیست، محک زیباترین شعر و ملودی و نقاشی یعنی «زندگی رنگی» را برای کودکان می سراید و می نوازد و ترسیم می کند.

لوریس چکناواریان

وقتی به بازدید بیمارستان محک رفتم، عاشق افراد و بچه هایی شدم که آن جا دیدم. به نظر من اسم این جا نباید بیمارستان محک باشد، باید اسمش را بگذارند معبد عشق. معبد عشقی که همگی در آن جمع شده ایم تا کودکان بیمار را در مسیر درمان یاری دهیم. اعضای محک عاشق فرهنگ و موسیقی هستند و این مسئله توانسته از محک دو جنبه بسازد، نخست این که این جا خانه بچه های مبتلا به سرطان است، دیگر این که یک خانه هنر هم هست.

ابراهیم حقیقی

حس انسان دوستی و کمک به همنوع در اکثر ایرانیان و حتی قوم و ملیت های مختلف جهان وجود دارد. محک بنیادی است که با حمایت و پشتوانه بی دریغ مردمی، علاوه بر یاری رساندن به کودکان مبتلا به سرطان، با ابزار هنر به فرهنگ سازی اصولی مانند مسئولیت اجتماعی و یاری همنوع می پردازد.



یاسمن سینایی

فعالیت های هنری که از طریق مؤسسات خیریه داشته ام تأثیر شگرفی بر زندگی هنری ام گذاشته است، تدریس نقاشی در محک و کار با کودکان تجربه ناب و شیرینی بود که باعث شد تا هنر را با نگاهی دیگر ببینم. از طریق هنر نقاشی می توان حرف دل کودکان را با تمام وجود شنیده و احساس کرد.

تاها بهبهانی

هنوز هم عیار انسان دوستی و همیاری مردم کشورم را با محک، محک می زنم و در نتیجه از این که یک ایرانی هستم بر خود می بالم.

محمد سریر

حال که در موقعیتی قرار گرفته ایم که می توانیم به محک کمک کنیم با انجام این کار در واقع به نوعی نیز به آینده خودمان کمک می کنیم. زیرا ما که امروز کمک کننده هستیم ممکن است در آینده خواهان کمک باشیم.

هوشنگ کامکار

محک، من را به یاد بیستون می اندازد. آن هنگام که مقابل بیستون می ایستی می توانی صدای تیشه عاشقانه فرهاد را بشنوی و هنگامی که در محک قدم می زنی نجوای عاشقانه های هزاران وجدان بیدار را حس می کنی. این ساختمان نشانه ای از عشق انسان به انسان است در دنیای امروز.

فاطمه معتمد آریا

ساختمان محک، ساختمان مقاومت، حمایت و دوست داشتن است. از نام محک می توان به موقعیتش پی برد. محک نماد یک حس انساندوستانه در جامعه است. تلاش، توان و خواسته و دیدگاه انسان هایی که عاشقانه به یکدیگر می اندیشند. محک فکر یک انسان در شرایط خاص بود که در قالب یک مجموعه متبلور شد. این بسیار ارزشمند است که از این فکر انساندوستانه بخشی از بیابان های شمال تهران به مجهزترین بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودک در سطح خاورمیانه تبدیل شد. حضور در محک را موهبتی به خود می پندارم، زیرا با لبخند یک کودک مبتلا به سرطان و یا همدردی با خانواده وی چنان احساس رضایت و خوشبختی به من دست می دهد که با هیچ حسی قابل قیاس نمی باشد.



جشن کودکان، بیمارستان بهرامی - ۱۳۷۸



جشن قلک شکن، باشگاه انقلاب - ۱۳۸۰



اولین قلک محک



کودکان و مددکاران محک در جشن هفته سرطان در مرکز طبی کودکان
مهرماه ۱۳۷۹



روزهای شاد کودکان محک در اتاق بازی - ۱۳۸۵



ساختمان بیمارستان محک در حال ساخت - ۱۳۸۰



مددکاران و کودکان محک در بیمارستان علی اصغر - ۱۳۷۸



شب یلدا در محک - ۱۳۸۳



جشن قلک شکن، باشگاه انقلاب - ۱۳۸۰



قهرمان کوچک محک - ۱۳۷۷



جشن کودکان محک با همراهی خانواده ها - ۱۳۸۳



مددکاران محک در کنار کودک محک و خانواده اش،
بیمارستان علی اصغر - ۱۳۷۷



کودک تحت حمایت محک - بیمارستان علی اصغر - ۱۳۷۹



جشن تولد کودکان محک - بیمارستان علی اصغر - ۱۳۷۷



کودکان محک در حیاط بیمارستان علی اصغر - ۱۳۷۹



جشن قلک شکان محک - ۱۳۷۸



بازارچه کتاب محک با حضور هنرمندان - ۱۳۷۹



جشن چهارشنبه سوری محک - ۱۳۷۸



جشن قلک شکان محک - ۱۳۸۰

بخوان به نام امید...

پشت در سالن کنفرانس ایستاده‌ام و به چشم‌های تک‌تک‌شان نگاه می‌کنم. چشم‌هایی سرشار از امید و لبریز از تلاشی سخت و پیگیر و شاید کمی هم خسته. نگاه‌هایشان منتظر و مشتاق است. اینان مادران تعدادی از کودکان محک‌اند که قرار است با دکتر مهرور رئیس بیمارستان فوق تخصصی محک و با یکی از کودکانی که سال‌ها پیش تحت حمایت محک قرار گرفته بود، جلسه‌ای داشته باشند. با آن کودکی که سال‌ها پیش تحت حمایت محک بود، قرار مصاحبه‌ای داشتیم. در سالن ایستادم؛ مادرانی را که وارد اتاق شدند نظاره کردم و هنگامی که بازگشتند، نیرویی تازه به نگاه بارانی‌شان دمیده بود. برقی از شوق، و نوری از باور وجود خورشید در پهنه‌ای ابری، همه خستگی‌ها را شسته و جایش درخشش زیبای شور و امیدواری نشسته بود. و این‌گونه بود که آن روز، چشم‌های مادران کودکان محک، آواز خواندند، خواندند به نام امید... و کسی که آن روز به محکی‌ها رنگین‌کمان را نشان داد، سعید بود. سعید، کودک دیروز محک و جوانی که امروز، ایران و محک به



وجودش افتخار می‌کند. او به دیدار آن‌هایی آمده بود که دردشان را می‌شناخت.

سعید نصیری، اکنون ۲۱ سال دارد. از افتخارات جهانی وی در عرصه ورزش می‌توان به مقام دوم وزنه برداری مسابقات جهانی لیبی که در سال ۸۹ با شرکت ۲۵ کشور از آفریقا و اروپا با حضور ایران، مقام دوم مسابقات جهانی مالزی با حضور ۵۱ کشور و کسب سهمیه المپیک ۲۰۱۲ لندن و برگزیده مسابقات جوانان جهان در امارات که آوریل ۲۰۱۱ برگزار شد، اشاره کرد. سه سال است که عضو تیم ملی وزنه برداری ایران است. سال ۱۳۸۳، در پانزده سالگی سراغ ورزش رفته است. ورزش برای سعید شروعی دوباره بود. او با شور و هیجان می‌گوید: "شما برنامه ورزش، شروعی دوباره را دیده‌اید؟ روزی این برنامه را در تلویزیون می‌دیدم و یکی از وزنه بردارهای خوب ما مرتضی دشتی در آن حضور داشت، همان روز به وزنه برداری علاقه‌مند شدم، به باشگاه محل رفتم، و شروع به تمرین کردم. بعد از یک سال خودم را به فدراسیون جانبازان و معلولین معرفی کردم. یک آزمون از من گرفته شد که پذیرفته شدم و با تلاش و تمرینات پیگیر، دو سال بعد قهرمان کشور شدم. خوشحالم که امروز مرتضی دشتی از مربیان من است."

همه این افتخارات غرورآفرین است. اما زیبایی شوق آورش آن جاست که بدانیم سعید در پنج سالگی مبتلا به بیماری سرطان بوده اما توانسته است بر آن غلبه کند. خود او از آن روزها خاطره چندان ندارد، شاید به دلیل سن کم و شاید هم برای این که توانسته خاطرات سخت را با امید به آینده فراموش کند.

اما پدرش وقتی از آن روزها حرف می‌زند، هنوز هم صدایش از عشق به فرزندش و یادآوری روزهای درمان او می‌لرزد و می‌گوید: «سال ۱۳۷۳ بیماری سعید شروع شد. ابتدا مدام از درد پا شکایت می‌کرد، او را به دکتر بردیم اما با مصرف داروها هم درد ادامه داشت. به بیمارستان امام خمینی رفتیم و آن‌جا بود که متوجه شدیم

سعید مبتلا به سرطان است و به دلیل پیشرفت بیماری، پای راستش باید قطع شود.»

پدر سعید با افتخار و لذت به قامت استوار فرزندش که دشواری‌ها را با سرسختی و عزم راسخ پشت سر گذاشته است، نگاه می‌کند. وقتی حرف از امیدواری می‌شود پدر می‌گوید: "اگر خورشید نیم روز امید برآمدنش نبود در وسط آسمان یخ می‌زد. کسی که امید داشته باشد، خدا هرگز ناامیدش نمی‌کند."

از آن جایی که سعید در زمان ابتلا به بیماری در بیمارستان امام خمینی درمان می‌شد و فعالیت مددکاران مؤسسه محک در آن زمان تنها در دو بیمارستان علی‌اصغر و شهدا انجام می‌گرفت، او تا سال ۷۵ با محک آشنا نشده بود. اما پس از آشنایی با محک و تشکیل پرونده تا سال ۱۳۷۹ که بیماری به درمان‌ها پاسخ می‌دهد و سعید بهبود می‌یابد با حمایت‌های محک مراحل درمانی از جمله دریافت هزینه‌های درمان و پروتز را پشت سر گذاشت. سعید بهبود یافت و اینک مانند پدرش که قدرشناس بهبود فرزند است، او نیز در آستانه بزرگ‌ترین موفقیت‌های زندگی‌اش، گذشته را از یاد نبرده و برای شکر سلامتی‌اش آمده است تا افتخاراتش را با محکی‌ها قسمت کند.

وقتی سعید نصیری از باور و امید، به عنوان عوامل یاری دهنده‌اش در غلبه بر بیماری سرطان یاد می‌کند، می‌توانی در صدایش صداقت و شفافیتی را حس کنی که به وضوح به تو نشان خواهد داد حرف‌هایی که می‌زند شعار نیست بلکه از عمق جان‌ش ریشه می‌گیرد؛ و این‌گونه است که حس او، به تو هم منتقل می‌شود و زیر لب می‌گویی: «باور‌ها و رویاهایت را فرو مگذار... که بی‌آنان زندگانی را امیدی نیست... و بی‌امید زندگی را آهنگی نباشد...» سعید نصیری مسیر سختی را طی کرده است، وقتی از او که در پایان این مسیر به بهترین‌ها یعنی سلامت، سرزندگی، پویایی، امید و موفقیت دست یافته و به زندگی عادی بازگشته است می‌خواهیم

که به بچه‌های امروز محک بگویند که در برابر سختی‌های این بیماری چه کنند، می‌گوید: "امید معجزه می‌کند. هرگز امیدتان را از دست ندهید. خداوند همیشه با شماست. حتی اگر هم به دلیل سرطان دچار معلولیت شدید، این مسأله اصلاً مهم نیست." سعید طوری روی این مسأله تأکید می‌کند که باور می‌کنی که معلولیت برای او اصلاً مهم نیست. او ادامه داد: "من را ببینید. من الان هر کاری که یک آدم کاملاً سالم می‌کند انجام می‌دهم. هر کاری، استشنا هم ندارد. من با یک پا دوچرخه‌سواری می‌کنم، موتور سوار می‌شوم، ورزش می‌کنم. با یک پا از درخت بالا می‌روم. در کودکی مدام بالای درخت بودم. حتی من ماشین معمولی سه پداله را با یک پا می‌رانم..."

سعید این‌ها را با چنان نیرو و اعتماد به نفسی می‌گوید که انرژی مثبت خود را به هر کسی که در اطراف هست منتقل می‌کند. سپس می‌گوید: "همه کار را می‌شود با معلولیت انجام داد، همه کار، منتهی کمی سخت است و زحمت می‌خواهد، اما می‌شود، نشد ندارد. شاید اول برایم سخت بود و حس خوبی نبود، من در ابتدای کودکی پایم را از دست داده بودم، اما کم‌کم با کمک پدر و مادرم و با





پشتکار، به خودم آمدم. در ابتدا در خانه کار می کردم. بعد کم کم از خانه بیرون آمدم و خودم را با شرایط تازه وفق دادم. برخوردهای نامطلوب را که بسیار برایم آزار دهنده بود، تحمل کردم. البته برخورد دوستانم در مدرسه خیلی خوب بود ولی اقوام و فامیل نه. دید خوبی وجود نداشت. بیشتر نگاه ها ترحم آمیز بود.» و این جا بود که سعید غرورآمیزترین و امید بخش ترین حرف خود را زد و گفت: «اما من توانستم آن دید را عوض کنم. سال ها تلاش کردم تا ترحم را نسبت به خودم از بین ببرم. بله! الان دیگر آن دید ترحم آمیز وجود ندارد و جایش را دید دیگری گرفته است...» شاید نگاهی که جانشین آن نگاه های ترحم آمیز شده، نگاه افتخار و غرور و حتی حسرت باشد، اما سعید افتاده تر از آن است که این را بگوید. آن روز سعید به دیدار بچه های عزیز محکی هم رفت. به آن ها حرف هایی زد و حرف هایی شنید که لابد بین خودشان خواهد ماند، اما آن چه در خاطر ما نقش می بندد این است که سعید نصیری، قهرمان ملی ما، جوانی که موفقیت ها و اعتماد به نفسش مثال زدنی است، در روزهایی نه چندان دور، به بیماری سرطان مبتلا بوده اما اکنون خود، در اوج سلامتی و تندرستی، حامی کودکان مبتلا به سرطان است.

سعید آن روز گفت قصد دارد هفته ای یکبار به محک بیاید و از صبح تا هر وقت لازم است، در محک همراه بچه ها باشد و هر کاری که می تواند انجام دهد. مثلاً با آن ها ورزش کند و مربی و دوستشان باشد، کسی چه می داند. شاید در آینده ای نه چندان دور، ما یک تیم وزنه برداری از محک داشته باشیم. تیم وزنه برداری کودکان محک. کودکانی که وزنه هایی سنگین تر از آهن سخت را بلند کرده اند. کودکانی که از پس سنگینی وزنه سرطان بر می آیند. آری، امیدوارم روزی بتوانم، گزارشی از تیم وزنه برداری محک و کودکان وزنه بردار و قهرمان محک بنویسم. پس تا آن روز می خوانم، می خوانم به نام امید... که زیباترین ترانه است.



مدتی بود که می دیدم همه دارند برای کار مهمی تلاش می کنند. یک روز شنیدم که تولد است. صحبت از بیست سالگی بود. بیست خیلی عدد خوبی است، هم نمره خوبی است هم بیست سالگی خوب است اما این تولد با همه تولد ها فرق می کرد، این تولد مال کسی نبود تولد یک خونه بود. توی این خونه یک عالمه بچه با یک عالمه خاله و عمو زندگی می کنند. همه چیز این تولد فرق می کرد. توی این تولد بیست تا شمع می گذاریم با یک دونه کیک. توی این تولد یک شمع می گذاریم با بیست تا کیک خامه ای. شمع ها را هم فوت نمی کنیم. آخه ما یک دونه محک داریم با یک عالمه بچه که به این تولد آمده اند، ما شمع را روشن نگه می داریم تا از گرما و روشنی اون تمامی بچه ها استفاده کنند، ما می خواهیم زیر نور این شمع سلامتی را به همه بچه ها هدیه کنیم. ما می خواهیم زیر نور این شمع هیچ کس از تاریکی نترسه و هیچ بیماری تنها نباشه و به آرامش برسه.

توی کیک این تولد یه عالمه عشق و محبت و ایثار را با هم مخلوط کرده اند و برای تزئین آن از شیرینی خنده کودکان استفاده کرده اند و مطمئن باشید خیلی خوشمزه است. بچه ها خونه ما، محک، بیست ساله شده امیدواریم که شما هم بیست سالگی خودتون را توی این خونه جشن بگیرید.

علی (کودک محک)

دوست و یاور خوبم سلام،

وقتی من و تو با هم آشنا شدیم تو، هم سن الان من بودی، درست ۱۱ ساله بودی و من، خیلی کوچک تر از الان. برای اولین بار که تو را دیدم به نظرم چقدر بزرگ و قوی بودی از اون پایین که به طرف تو می آمدم به نظرم آمد که دست هایت را برای در آغوش کشیدن من باز کردی و چه آغوش گرم و پرمحبتی داشتی. تو به من و پدر و مادرم آرامش هدیه کردی. تو غم ها و مشکلات من و بچه های دیگر را روی شانه های خود تحمل کردی تا من آسوده خاطر و راحت باشم. من در کنار تو تنها نبودم،



وقتی به دیدنت می آمدم بچه های زیادتری را مثل خودم در کنار تو می دیدم و دیگه احساس تنهایی و غریبی نمی کردم. تو در تمام روزهای سخت در کنارم بودی و مرا حمایت می کردی. تو تمام بچه ها را با روی باز و آغوش گرم و پر مهر می پذیرفتی، هیچ وقت از دوست داشتن من خسته نمی شدی، هیچ وقت از اذیت ها و بهانه گیری من اخم نمی کردی. من از تو یاد گرفتم که با همه مهربان باشم. همه را دوست داشته باشم. تو تنها کسی هستی که بدون هیچ توقع و انتظاری مرا دوست داری. تو می خواهی همه بچه ها در کنار تو غم هایشان را فراموش کنند و شاد باشند. تو دلت می خواهد سلامتی را هر چه زودتر به آن ها برگردانی. من اگر سال ها بگذرد و پیش تو نباشم هیچ وقت تو را فراموش نمی کنم. دوست خوب من، ای یار و یاور من در روزهای سخت،

تولد بیست سالگی ات مبارک

علی (کودک محک)

وقتی همه جای دنیا صحبت از تولد می شه آدم زود یاد یه بچه کوچولو می افته که داره از ته دل گریه میکنه ولی من چند سالیه که یک تولد رو شناختم که هیچ کس در آن گریه نمی کنه در این تولد همه تازه متولد شدن، مهم نیست چند سالته و چی پوشیدی و از کجایی! مهم اینه هر کی وارد این مجموعه می شه دیگه غم با لباس و چهره اش بای بای میکنه و حالا **بیستمین سال تولدشه!**



۲۰ ساله که با تولدش مهر و حمایت و کمک رو به آغوش دوستان و عزیزانش آورده
۲۰ ساله که با قبول رنج خودش، رنج دوستانش رو از بین می بره
۲۰ ساله که داره مثل یک شمع می سوزه تا دیگران از نورش استفاده کنند
۲۰ ساله که مثل یک پروانه است ولی نه پروانه ای که با نور شمع بسوزه بلکه پروانه ای که عاشقانه دور شمع پرواز میکنه

حالا من غلام رضا که فقط ۵ ساله با تو آشنا شدم از ته دل به جای گریه فریاد می زنم:

مهربانترین حامی کودکان، تولدت مبارک!

غلامرضا (کودک محک)



پیمان قاسم خانی با حس همدلی و محبت به کودکان محک که از ابتدای ورود از عمق چشمانش آشکار بود، با بچه ها با لحن کودکانه شان صحبت و خود را در دنیای آن ها شریک می کرد.

هنگامی که هنرمندان به اتاق یکی از کودکان که با مادرش از باکو آمده بودند، وارد شدند، **بهروز هاشمیان** (کارگردان سینما و تلویزیون) تنها کسی بود که می توانست به زبان خودشان با این کودک و مادرش صحبت کند و آن دو را بسیار خوشحال کرد. بی شک حضور و همراهی هنرمندان و مردم پشتوانه همیشگی برای کودکان محک خواهد بود.



دیدار هنرمندان با کودکان محک

محک روز ۳ بهمن ماه سال گذشته میزبان حضور پُر مهر تعدادی از هنرمندان بود. بهاره رهنما، پیمان قاسم خانی، حمید فرخ نژاد، بازیگران سینما و تلویزیون و بهروز هاشمیان، کارگردان، با حضور در محک و دیدار با کودکان محک، لحظه های زیبایی را برای کودکان ساختند.



بهاره رهنما با شور و شوق همیشگی خود وارد هر اتاق که می شد، بچه ها را شاد می کرد. کودکان محک او را با نام خاله بهاره صدا می زدند و عکس یادگاری آن ها با هم، حس دوست داشتنی آن لحظه ها را به ثبت می رساند.

حمید فرخ نژاد که قبلاً برای فیلم برداری سریال حلقه سبز مدتی را در محک گذرانده بود، با گام زدن در جای محک بار دیگر لحظه های ساخت سریال را در ذهنش مجسم می کرد و با حضور در اتاق کودکان موجب شادی آن ها می شد. وی تغییراتی که در مدت چند سال در محک به وجود آمده و قسمت هایی که به بیمارستان اضافه شده بود را خوب می شناخت و از این که دیروز و امروز محک مثل هم نیست، اظهار خرسندی کرد.



جشن پایان سال کودکان

هنگامی که صدای پای بهار از کوچه پس کوچه های شهر به گوش می رسد، همه در تکاپو هستند؛ تا روزهای پایانی سال را به بهترین شکل بگذرانند و محک در این روزها جشن بزرگی در کلبه بازی و شادی برای کودکان برگزار کرد. کلبه بازی و شادی ۱۷ اسفند سال گذشته پذیرای کودکان محک بود. این برنامه هر ساله به مناسبت آغاز سال نو توسط بخش خدمات حمایتی محک برگزار می شود و کلیه هزینه های آن توسط یاوران و نیکوکاران پرداخت می شود.



کودکان از نقاط مختلف خودشان را به جشن رسانده بودند. ابوالفضل اولین میهمان بود، او که سال گذشته نیز در این جشن شرکت کرده بود، شور زیادی برای بازی با ماشین های برقی داشت. کوثر ۵ ساله با بازی های کامپیوتری خود را ماهرترین موتورسوار تصور می کرد. علی از حرکت های قطار برقی می هراسید و به دوستانش می گفت: چشمانشان را ببندند. همه کودکان دنیایی از شادی و بازی را در کنار پدران و مادرانشان تجربه کردند.

مددکاران داوطلب نیز به پذیرایی از کودکان و بازی با آن ها می پرداختند و در پایان مراسم ضمن آرزوی سلامتی برای کودکان آنان را رهسپار سال جدید کردند.



بازار نیکوکاری هدایای نوروزی محک

نوزدهمین بازار هدایای نوروزی روزهای ۵ و ۶ اسفند ماه سال گذشته برگزار شد.

در این بازار غرفه های مختلفی نظیر هنرمندان، هفت سین، گل، شیرینی و آجیل، مربا و ترشی، زیور آلات، خطاطی، چرم دُرسا، صنایع دستی، لوازم آرایشی روزا، کافی شاپ و ... دایر بود. ۳۲۰۰ نفر از یاوران محک در این بازار شرکت داشتند. هنرمندانی چون نیکی کریمی، هادی کاظمی، بهاره رهنما، پیمان قاسم خانی، بابک حمیدیان، محمد رضا گلزار، سحر ولدبیگی، نیما فلاح، آناهیتا نعمتی، علی رام‌نورایی، پندار اکبری با حضور در غرفه هنرمندان و بازدید از بیمارستان محک و دیدار با کودکان لحظات شادی را برای آنان رقم زدند. سفره هفت سین محک در بازارچه هم به آن حال و هوایی نوروزی داد. عواید حاصل از این بازار ۱۳۵ میلیون تومان بود. از تمامی یاوران، داوطلبان، هنرمندان و ورزشکاران که با حضور خود در این بازار، محک را در جهت حمایت از کودکان مبتلا به سرطان یاری دادند سپاسگزاریم.

بازدید مجری کودکان دیروز از محک

محک روز ۷ اسفند سال گذشته، میزبان کسی بود که چهره اش، صدایش و نامش یاد آور خاطره های زیبای کودکان دیروز بود.

گیتی خامنه، مجری با سابقه برنامه کودک، باحضور در محک خاطره ساز کودکان محک نیز شد. او در مدت حضورش با چهره مهربان و لحن دوستانه و پر مهر خود، کودکان دیروز و امروز را با وجود تمام تفاوت هایشان در یک حس کودکانه و ذوق بچگی با یکدیگر پیوند داد. گیتی خامنه از بخش های مختلف محک بازدید کرد، با حوصله و اشتیاق فراوان دل به حرف های مادران و کودکان سپرد، با علاقه در بخش مددکاری نشست تا با خانواده کودکان صحبت کند و با تبحری که در برقراری ارتباط با کودکان دارد، لحظاتی را با آن ها گذراند و همراه و همدل شان شد. محک همواره پذیرای هنرمندان که یاوران همیشگی اش هستند، می باشد.



بازدید شهردار منطقه یک تهران از محک

مهندس جاوید شهردار منطقه یک و جمعی از کارکنان شهرداری، ۱۸ فروردین میهمان محک بودند.

در این جلسه با حضور سعیده قدس بنیانگذار، جواد کرباسی زاده رئیس هیأت مدیره، آراسب احمدیان مدیر عامل و علیرضا امینی مدیر بیمارستان محک، دیدگاه ها و مسئولیت های این مؤسسه مطرح شد.

سپس میهمانان، از محک بازدید کردند. دکتر مهرور رئیس بیمارستان محک در خصوص دست آوردهای جدید درمانی و فعالیت های تحقیقاتی محک گفت: یکی از فعالیت هایی که همواره در محک در کنار درمان مد نظر است انجام تحقیقات و تلاش برای پیدا کردن راههای تازه و مؤثرتر برای درمان و کم کردن عوارض ناشی از درمان برای کودکان مبتلا به سرطان است.

بخش های رادیوتراپی، رادیوگرافی و نیز بخش پیوند بیمارستان محک که در حال تجهیز است مورد بازدید این گروه قرار گرفت. بخش پیوند یکی از مهم ترین قسمت های بیمارستان محسوب می شود در آینده ای نزدیک به بهره برداری می رسد.

بی شک همراهی و همکاری این عزیزان پشتوانه همیشگی محک در طی مسیری است که پیش رو دارد.



افتتاح دفتر محک در فرودگاه امام خمینی (ره)

دفتر محک ۲۵ اسفندماه سال گذشته در فرودگاه امام خمینی (ره) افتتاح شد. هدف از ایجاد این غرفه گسترش فعالیت های محک و آسان تر کردن ارتباط با مخاطبان است.

رضا قدیمی، مدیر کل فرودگاه ابراز امیدواری کرد حضور محک در ابتدای سال جدید، سال خوبی را برای فرودگاه رقم بزند، او گفت: خرسندیم که فعالیت نوروزی ما با کاری خیر و خدایسندانه آغاز شد. وی ضمن اظهار خرسندی از شروع فعالیت دفتر محک در فرودگاه افزود: در بازدیدی که سال گذشته از بیمارستان محک داشتیم شاهد فعالیت های انسان دوستانه و حمایتی محک از کودکان مبتلا به سرطان بودیم، از این رو تلاش ما بر این بود تا این سازمان را در راه اهدافش یاری نماییم و اختصاص این غرفه، قدمی کوچک در حمایت از کودکان محک است.

آراسب احمدیان، مدیرعامل محک ضمن قدردانی از همکاری و همدلی مسئولان فرودگاه با محک و کمک برای پیشبرد این هدف، یکی از نقاشی های بچه های محک را به رضا قدیمی تقدیم کرد و گفت: حس مسئولیت پذیری شما در کمک به همنوعان زمینه اصلی این همکاری را فراهم کرده است. فعالیت یاورانی چون شما که موجب تجسم مفهوم مسئولیت پذیری اجتماعی می شوند، پشتوانه محک و کودکان محک خواهد بود.

مدیران فرودگاه امام اولین کسانی بودند که در این غرفه فرم عضویت محک را پر کردند و به عضویت این مؤسسه در آمدند.



مراسم آغاز سال نو در محک

مراسم آغاز سال نو با حضور هیأت امناء، هیأت مدیره، جمعی از داوطلبان و کارکنان محک، ۲۰ فروردین ماه در محک برگزار شد.



در ابتدا جواد کرباسی زاده، رئیس هیأت مدیره آغاز سال جدید را به حاضران تبریک گفت و ابراز امیدواری کرد سال نو سالی همراه با موفقیت و سلامتی برای تمام کارکنان و کودکان محک باشد. سعیده قدس، بنیانگذار محک در سخنان خود با ابراز خرسندی از فعالیت های کارکنان محک در راستای حمایت از کودکان مبتلا به سرطان گفت: جایگاه امروز محک نشانگر وجود حس مسئولیت پذیری در وجود کارکنان این سازمان است و این عامل توانسته محک را از سطح یک مؤسسه خیریه به یک مؤسسه درمانی، تحقیقاتی و خیریه ارتقا دهد. ما همواره قدردان فعالیت های شما در حمایت از کودکان مبتلا به سرطان هستیم و امید داریم که در سال جدید بتوانیم هم چنان سازمان شادابی باشیم. آراسب احمدیان، مدیر عامل نیز ضمن تبریک سال نو گزارشی از عملکرد واحدهای مختلف ارائه کرد و در این گزارش میزان پیشرفت هر یک از واحدها در سال گذشته را ذکر کرد. احمدیان گفت: "کسب استانداردهای برتر و ارتقای بیمارستان برای رسیدن به جایگاهی که بتواند معیاری برای بیمارستان ها و مؤسسات دیگر باشد از مهم ترین اهداف و موضوع کیفیت خدمات و رضایت بیمار و نیکوکاران همواره در سرلوحه فعالیت های محک است." در سال جدید نیز هم چون گذشته همراه با تک تک کارکنان سازمان، برای رسیدن به این اهداف تلاش می کنیم. وی در پایان گفت: "همراهی و همدلی کارکنان و داوطلبان تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف و تحقق روحیه نوع دوستی و حمایت از کودکان مبتلا به سرطان دارد."

روز پرستار در محک

به مناسبت روز پرستار ۲۳ فروردین ماه مراسمی در محک برگزار شد.

جواد کرباسی زاده، رئیس هیأت مدیره در سخنان خود پرستاران را با عنوان ستون های اصلی بیمارستان مورد خطاب قرار داد و گفت: "همکاری پرستاران و مددکاران که ستون های اصلی مؤسسه هستند، تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف محک دارد." هم چنین سعیده قدس، بنیانگذار محک از پرستاران به خاطر صبر و شکیبایی شان قدردانی کرد و گفت: "پرستاران در محک باید بسیار صبور باشند زیرا درک وضعیت کودکان و خانواده آنان کار ساده ای نیست؛ از این رو شکیبایی شما قابل تقدیر است." پروفسور پروانه وثوق نیز با لحنی دوستانه، پرستاران را مهره اصلی و کار آنان را مکمل کار پزشکان دانست. در ادامه مراسم نیمه، یکی از کودکان بهبود یافته با نواختن پیانو لحظاتی به یاد ماندنی را برای حاضران رقم زد. مهندس احمدیان، مدیر عامل محک انسجام ایجاد شده در بیمارستان محک را یکی از مهم ترین دستاوردهای سال گذشته دانست و گفت:

کار در بخش های مختلف بیمارستان محک مثل آی سی یو یا بخش آی تی و دیگر بخش ها برای یک پرستار بسیار مشکل است. اما در محک عشق پرستاران به کودکان سبب می شود سختی های این کار را نادیده بگیرند. احمدیان با بیان آن چه محک از ابتدا تا کنون پشت سر گذاشته و امروز تبدیل به یک بیمارستان فوق تخصصی شده، قرار گرفتن در بین ۱۰ مؤسسه برتر دنیا و کسب استانداردهای بین المللی را از مهم ترین هدف های محک دانست. در پایان سرور تورانی، مترون بیمارستان محک، گزارشی از عملکرد سالیانه پرستاران ارائه داد. وی مهم ترین فعالیت های بخش پرستاری را به شرح زیر برشمرد: • تجهیز و راه اندازی آنکولوژی ۳ و بخش جراحی با ۱۵ تخت • تجهیز بخش ICU۲ با کلیه امکانات برای پذیرش ۴ بیمار • همکاری در تجهیز بخش اپتومتری، فیزیوتراپی و کار درمانی • تکمیل ۹۵٪ از بخش CSR • برگزاری ۶۰ کنفرانس درون سازمانی در کلیه بخش ها • ۱۰ مورد شرکت در برنامه های آموزشی داخل و خارج از کشور • برگزاری جلسات با خدمات حمایتی. در پایان ۱۲ کارت اعتباری از طرف بانک اقتصاد نوین به قید قرعه به پرستاران اهدا شد.





گل های شادی در قلب کودکان محک

کودکان محک، ۴ اردیبهشت ماه، یکی از خاطره انگیزترین روزهای زندگی خود را در ورزشگاه آزادی سپری کردند، ساعت ۱۹:۳۰ کودکان دست در دست بازیکنان تیم های صنعت نفت تهران و پیروزی وارد زمین شدند؛ تا این بار شاهد رقابت دو تیم فوتبال با هم باشیم که نتیجه آن از ابتدا مشخص بود.

تیم صنعت نفت تهران با دعوت از کودکان مبتلا به سرطان و نشاندن لبخند بر لب آن ها و تالافو امید در دلشان برنده بازی بود. کودکان تمام راه از بیمارستان محک تا ورزشگاه آزادی را با شادی و پایکوبی طی کردند و زمانی که به ورزشگاه رسیدند با استقبال گرم بازیکنان تیم نفت روبرو شدند. در رختکن با آن ها عکس های یادگاری گرفتند. شادی بچه ها هدیه گران قدری بود که بازیکنان تیم نفت تهران به کودکان داده بودند، بچه ها در صندلی های تماشاگران نشسته بودند و از همان ابتدا شعارهایی را که تمرین کرده بودند، یک صدا می خواندند و برای تمام گل هایی که به دروازه می رفت فریاد شادی سر می دادند، تفاوتی بین زرد، قرمز، آبی یا سفید در این بازی نبود. رنگ، رنگ شادی و انسانیت و نوع دوستی بود.

ماکان، یکی از کودکان محک که در این روز تازه از IT (نمونه گیری مغزاستخوان) آمده بود و به

سفارش پزشکان باید مراقب بود تا کمردرد اذیتش نکند، تا می توانست رقصید و شادی کرد. بازیکنان تیم نفت در تکمیل این همه شور و انرژی سنگ تمام گذاشتند. برق شادی در چشمان تک تک بچه ها می درخشید، در گوشه ای از جمع گرم و صمیمی، هاشم یکی از کودکان محک توانسته بود در جمع فوتبالیست های تیم نفت، همشهری خود (دروازه بان این تیم) را پیدا کند و حسایی با او گرم گرفته بود.

چشمان خیس و هیجان زده پدر و مادرها در مقابل تلویزیون که کودکانشان را به یکدیگر نشان می دادند و با دیدن تصویر فرزندشان فریاد شادی را سر می دادند جلوه دیگری از این اتفاق انسان دوستانه بود.

یک روز بعد از مسابقه فوتبال عکس یادگاری کودکان محک با فوتبالیست ها در روزنامه چاپ شد و این عکس در تمام طبقات محک به نمایش گذاشته شد. تمام محک پُر از هیاهو در مورد عکس بچه ها با فوتبالیست ها بود، همه بچه ها عکس هایشان را چاپ کرده و با افتخار به دیوار اتاقشان چسباندند و هم چون یک فوتبالیست که سرافراز از زمین بازی بیرون آمده، با افتخار عکس هایشان را به دیگر دوستانشان نشان می دادند و در این میان حتی بچه هایی که خودشان نتوانسته بودند به ورزشگاه بروند دوست داشتند این عکس ها را داشته باشند و افتخار می کردند به این که دوستان آن ها روزی در کنار فوتبالیست های محبوبشان بوده اند.



از مهر و محبتشان منتظر ما بودند. از دیدن همدیگر خوشحال شدیم، ما برای آن‌ها دعا کردیم که برنده شوند. در تمام طول بازی، آن قدر شاد و خوشحال بودیم که گذشت زمان را متوجه نشدیم. در آخر بازی آن‌ها خوشحال به رختکن رفتند، شاید بازیکنان تیم صنعت نفت گل‌های زیادی درون دروازه حریف نکاشتند ولی آن‌ها گل‌های شادی زیادی در قلب بچه‌های محک کاشتند. آن‌ها گل‌های محبت و عشق به بچه‌ها هدیه دادند. آن‌ها مردانی بزرگ با قلب‌های بزرگ هستند. برای ما مهم نبود کدام تیم بزرگ است ما به بزرگی مردانی فکر می‌کردیم که آرزوی ما بچه‌های محک را فراهم کرده بودند، آن‌ها بچه‌هایی را شاد کردند که در زندگی امروزشان فرصت شاد شدن، خندیدن و لذت بردن را کمتر بدست می‌آورند.

از امروز به بعد تیم صنعت نفت برای ما بچه‌های محک تیم ناشناخته‌ای نیست و همیشه در قلب ما با خاطره‌ای خوش جای دارد، برای سلامتی و موفقیت آن‌ها در زندگی دعا می‌کنیم"

علی، یکی از کودکان محک، ۱۱ ساله:

"از وقتی شنیده بودیم که قرار است به استادیوم آزادی برویم و بازی فوتبال را از نزدیک ببینیم، خیلی خوشحال بودیم. هر کسی از بچه‌ها می‌خواست کاری بکند، یکی توپ آورده بود تا بازیکنان امضا کنند، یکی ورق برداشته بود و یکی پیراهنش را می‌خواست بدهد که امضا کنند و یکی می‌خواست عکس بگیرد.

زمانی که برای رفتن آماده شدیم فهمیدیم ما را تیم صنعت نفت دعوت کرده، راستش تا آن موقع من نمی‌دانستم پیراهن صنعت نفت چه رنگی است و در کجای جدول قرار دارد، وقتی لباس زرد و تعدادی لباس‌های قرمز را پوشیدیم فهمیدیم لباس‌های تیم صنعت نفت چه رنگی است.

وارد استادیوم آزادی که شدیم آن قدر بزرگ بود که اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم، آخه من تا به حال به استادیوم برای دیدن بازی نرفته بودم، آن‌جا از نزدیک خیلی با تلویزیون فرق می‌کرد.

بازیکن‌های تیم صنعت نفت با نگاه‌های مهربان و دست‌های پر



به داخل زمین آماده شدیم و دست در دست بازیکن‌ها وارد زمین شدیم. من هم دست آقای بادمکی را گرفتم.

پس از پخش سرود ملی بازی شروع شد. با وجود ۶ تا گل که بازی پر از هیجان و شادی بود، مسائل و حاشیه‌های بچه‌های ما بخصوص که در جایگاه مهمانان ویژه بودیم خالی از لطف نبود. بالاخره بازی با نتیجه پنج به یک به نفع پیروزی به پایان رسید و ما به محک برگشتیم راستی یکی از مسئولان تیم نفت هم بین ما بود، کلی با هم شوخی کردیم و پس از بازگشت همراه خانواده‌ها به خانه‌هامون رفتیم و یک برگ یادگاری از دفتر خاطراتمون هم این طوری نوشته شد."

و این روز یکی از شادترین و با انرژی‌ترین روزهایی بود که برای محک و کودکان آن رقم خورد، کسانی که به یاد محک هستند و شادی‌شان، شادی کودکان است همواره همراه همیشگی محک هستند، یاری‌شان را ارج می‌نهیم و امید داریم شادی و سلامتی، نعمت‌های همیشگی زندگی‌شان باشد.

ابوالفضل کودک دیگر محک، ۹ ساله:

"یه روزی از همین روزا بهتره بگم ۴ اردیبهشت من به یکی از قشنگ‌ترین آرزوهایم که از کودکی در دلم بود، رسیدم. شاید این آرزوی هر نوجوان ایرانی باشه که یه روزی تو استادیوم آزادی همراه تیم محبوبش قدم بزنه و با بازیکن‌های تیم و مربی‌شان هم صحبت بکنه و عکس یادگاری هم بندازه. از محک با همراهی آقای صدیقی (کارشناس روانشناسی محک) و ۲۱ نفر از دوستانم پس از آماده شدن و کارهای مقدماتی و پس از تحویل لباس و کفش ورزشی یک‌رنگ و پس از خداحافظی با خانواده‌ها و خاله‌های مهربان مددکاری سوار اتوبوس شده و راهی استادیوم شدیم. بچه‌هایی با سنین مختلف همراه ما بودند و تا خود استادیوم کلی سرگرمی و بزن برقش تو اتوبوس داشتیم. بالاخره پس از طی راه به استادیوم آزادی رسیدیم. به اتفاق به رختکن پرسپولیس رفتیم و پس از دیدن آقای دایی و بازیکن‌ها و صحبت و چند تا عکس یادگاری به رختکن تیم نفت تهران رفتیم و سپس برای رفتن

اولین همایش بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرطان کودک

اولین همایش بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرطان کودک ۲۶ بهمن ماه سال گذشته، هم‌زمان با روز جهانی سرطان کودک، با حمایت اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران و تهران در محک برگزار شد. این همایش از جمله فعالیت‌هایی است که بر پایه علم و دانش تخصصی در حوزه مدیریت نوین و اقتصاد و با استفاده از تجربه اساتید و صاحب‌نظران و نیز مسئولان در بنگاه‌های اقتصادی، با هدف ترویج مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها و ایجاد آگاهی در مورد مفهوم دقیق این موضوع انجام می‌شود. جلب توجه مدیران بنگاه‌های اقتصادی و مدیران سازمان‌های دیگر و افزودن دیدگاه مسئولیت اجتماعی به دیدگاه‌های حاکم در زمینه مدیریت و اقتصاد و هم‌چنین ایجاد یک تصویر شایسته از روحیه مردمی، همکاری و همراهی ایرانیان در جامعه بین‌الملل از هدف‌های برگزاری این همایش بود. شرکت‌کنندگان در این همایش، مدیران عامل بنگاه‌های اقتصادی، هیأت‌رئیس و هیأت‌نمایندگان اتاق‌های بازرگانی ایران، تهران و شهرستان‌ها، مدیران و اعضای بانک‌ها و بیمه‌های کشور، سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های مشاور مدیریت بودند.



نشست مطبوعاتی

نشست مطبوعاتی این همایش ۲۳ بهمن سال گذشته در اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران با حضور نمایندگان رسانه‌ها، مهندس احمد پورفلاح دبیر همایش، مهندس راسخ دبیر کل اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران، سعیده قدس بنیانگذار محک و مهندس آراسب احمدیان مدیرعامل محک برگزار شد. در این کنفرانس به مباحثی چون: تعریف و خواستگاه مسئولیت اجتماعی، معرفی محک، نقش مسئولیت اجتماعی در پیشبرد اهداف جامعه و نقش سازمان‌ها و رسانه‌ها در توسعه این مفهوم پرداخته شد.

آراسب احمدیان، مدیرعامل محک در پاسخ به سوالات خبرنگاران، توضیحاتی درباره محک و نوع حمایت‌های این مؤسسه از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده‌های آن‌ها ارائه داد. وی گفت: "محک سال ۱۳۷۰ تأسیس شده و در سال آینده وارد سومین دهه زندگی و فعالیت خود می‌شود و در سه حوزه درمان، خیریه و تحقیقات برای حمایت کودکان مبتلا به سرطان فعالیت می‌کند. در حوزه درمان هر کودک مبتلا به سرطان در هر جای ایران که در حال درمان در بخش دولتی است، تحت حمایت محک قرار می‌گیرد. اگر بیمه نباشد توسط محک بیمه می‌شود و سپس تمامی هزینه‌های مربوط به تشخیص، درمان، ایاب و ذهاب و سیستم‌های رفاهی او پرداخت می‌شود. محک تاکنون ۱۴۷۰۰ کودک را تحت حمایت خود قرار داده و اکنون به طور فعال حدود ۷۰۰۰ کودک را تحت حمایت دارد.

دومین حوزه فعالیت محک، بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک است که در دارآباد در شمال شرق تهران قرار دارد و تماماً با کمک‌ها و مشارکت‌های مردمی بنا شده است. در این بیمارستان از جدیدترین فن‌آوری‌ها و آخرین دستاوردهای دانش پزشکی دنیا در زمینه درمان سرطان اطفال استفاده می‌شود. از آزمایشگاه‌های پیشرفته ژنتیک گرفته تا آخرین فناوری‌های رادیوتراپی مطابق با دانش روز دنیا در این بیمارستان وجود دارد و این ویژگی‌ها را پزشکی‌هایی که از همه جای دنیا برای بازدید به این بیمارستان می‌آیند، تأیید کرده‌اند.

یک بیمارستان فوق تخصصی دستاوردهای علمی ارزشمندی را نیز دارا می‌باشد و داده‌های علمی، مبنای انجام تحقیقات پزشکی و پژوهش‌های مشترک محک با مؤسسات داخلی و خارجی است که حوزه سوم فعالیت این مؤسسه یعنی تحقیقات است. محک قراردادهایی با مرکز تحقیقات سرطان دانشگاه تهران، پژوهشگاه ابن‌سینا، پژوهشگاه رویان، انیستیتو گوستاو روسی در فرانسه و

احمد پور فلاح دبیر همایش و عضو هیأت‌امناء و مشاور عالی هیأت‌مدیره محک، با اشاره به این‌که از دید وی، تأسیس اتاق بازرگانی در ۱۲۷ سال پیش در ارتباط با فلسفه مسئولیت اجتماعی مدیران و صاحبان صنایع بوده است، گفت: محک مؤسسه‌ای است که در چارچوب نیازهای جامعه شکل گرفته و نشان داده، مؤسسات مردم‌نهاد نقش ارزنده‌ای در ایفای مسئولیت‌ها در قبال جامعه و نیازهای آن دارند و همواره یاری‌دهنده دولت‌ها در این زمینه هستند. پورفلاح گفت: برگزاری این سمینار از جمله اولین تلاش‌های نظام‌مندی است که در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، انجام می‌شود و در آن بیشتر فعالان اقتصادی کشور حضور خواهند داشت. وی در ادامه با اشاره به این‌که رضایتی که با مشارکت بنگاه‌های اقتصادی در کارهای خیریه کسب می‌شود، در کیفیت محصولات و بالا بردن تولید موثر است؛ تصریح کرد: هنگامی که کارکنان مشاهده می‌کنند مدیران احساس مسئولیت دارند، با علاقه و مسئولیت بیشتری کار می‌کنند. وی گفت: محک نماد تجلی روح نوع‌دوستی در ایران است و استانداردهای محک برای افرادی که از کشورهای دیگر به بازدید از محک می‌آیند جالب توجه است و برای آنان نشان‌گر رشد فکری و روح جمعی مردم ایران است. پورفلاح در این نشست خبری تصریح کرد محک با برگزاری این همایش به دنبال کسب کمک‌های مالی از بنگاه‌های اقتصادی نیست و هدفش صرفاً جلب توجه جامعه به مقوله مسئولیت اجتماعی و ترویج آن است.

محمد مهدی راسخ دبیر کل اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران، مسئولیت اجتماعی را یک تعهد اخلاقی دانست و گفت: مصرف‌کننده با خرید کالا از بنگاه‌های اقتصادی که در کار خیر مشارکت می‌کنند، احساس می‌کند او هم در آن کار خیر شریک شده است و کارکنان در چنین مؤسسه‌ای با رضایت و علاقه بیشتری کار می‌کنند.

برخی دیگر از مؤسسات تحقیقاتی دارد و هدف از آن‌ها این است که بتوانیم به دانش‌های جدیدی برای پیش‌گیری، تشخیص زود هنگام و درمان کودکان مبتلا به سرطان دست یابیم." آراسب احمدیان گفت: "محک با شناخت عمیق مسئولیت اجتماعی و فواید دوسویه آن برای سازمان‌های مردم‌نهاد و بنگاه‌های اقتصادی از سال ۱۳۸۶ به ترویج این مفهوم در جامعه پرداخته است و تاکنون برنامه‌هایی در این زمینه با انجمن مدیران صنایع و کنفدراسیون صنعت انجام داده است. هم‌چنین نمایشگاهی نیز سال ۱۳۸۸ در همین تاریخ، یعنی ۲۶ بهمن‌ماه، با عنوان مسئولیت اجتماعی و سرطان کودک داشتیم که با همکاری انجمن طراحان گرافیک ایران برگزار شد و پوسترهای آن بر روی دیوارهای بیمارستان محک نصب شده است."

وی افزود: "در موضوع مسئولیت اجتماعی سه رویکرد اصلی وجود دارد. اول مدیرانی هستند که دقیقاً در قبال جامعه احساس مسئولیت دارند و فکر می‌کنند اگر جامعه‌ای که در آن کسب و کار می‌کنند، زیر ساخت‌های قوی داشته و آباد باشد و سطح بهداشت و آموزش در آن بالا باشد، طبیعتاً چون در محیط توسعه یافته‌تری کسب و کار می‌کنند پس به موفقیت بیشتری هم دست پیدا می‌کنند، یعنی یک دید عمیق در مورد موضوع دارند. گروه دوم مدیرانی هستند که موضوع مسئولیت اجتماعی و پرداختن به آن را نوعی مزیت رقابتی برای شرکت‌شان می‌بینند و اعتقاد دارند اگر وارد این حوزه شوند نسبت به سایر رقبای خود مزیت دارند و این باعث اعتبار آن‌ها می‌شود. اما دسته سوم مؤسساتی هستند که فعالیت‌های آن‌ها صدمه‌هایی به اجتماع در زمینه‌های محیط زیست، سلامت و یا آسیب‌های اجتماعی وارد می‌کند، مانند شرکت‌های آلوده کننده محیط زیست که سعی دارند از طریق انجام پروژه‌های مسئولیت اجتماعی به جبران آن بپردازند. در تاریخ این سرزمین همواره مردم و گروه‌هایی چون تجار و

صاحبان صنایع فعالیت‌های سازنده و عام‌المنفعه انجام می‌داده‌اند. امروز محک درک کرده که با تحول کشور از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، نقش‌های اجتماعی به تدریج از افراد به سازمان‌ها، مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی انتقال می‌یابد و سیاست‌گذاران اصلی مؤسسات اقتصادی، افرادی هستند که می‌توانند این نقش را که در گذشته به عهده افراد بود به سازمان‌ها و شرکت‌ها تسری دهند. مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره، بنگاه‌های اقتصادی را اصلی‌ترین مخاطبان ترویج مسئولیت اجتماعی می‌دانند." وی در پایان گفت: "از رسانه‌ها انتظار داریم با تلاش در ترویج این مفهوم در جامعه به طور جدی با محک همکاری کنند." احمدیان ابراز امیدواری کرد که رسانه‌ها با ترویج و توسعه مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها نه فقط در مورد کمک‌های خیریه بلکه در برنامه‌های جهانی و مدل‌های تعالی سازمانی نیز مدیران بنگاه‌ها را تشویق نمایند.



وی ضمن تصریح این که محک با هیچ سازمان دولتی و مردم‌نهاد و بخش خصوصی رابطه ارگانیک ندارد گفت: "محک همواره در پی اشاعه فرهنگ تعامل و امور خیریه و بالا بردن سطح دانش خود و مؤسسات مشابه، با توجه به پیشرفت‌های جهانی بوده است. ما در مبحث مسئولیت اجتماعی تأکیدی روی محک نداریم. فرقی نمی‌کند، نابینایان، بیماران کلیوی، جذامی‌ها و ... همگی نیاز به کمک دارند و کمک به آن‌ها برای ما مقدس است. کار خیر وظیفه‌ای است که هر شهروندی که خداوند به او لطف کرده و شرایط بهتری از دیگران دارد موظف است به آن فکر کند."

خانم قدس در پاسخ به یکی از خبرنگاران که گفت برخی افراد از ما می‌پرسند آیا شما مطمئن هستید که محک همه کارهایی را که می‌گوید انجام می‌دهد؟ اگر این طور است چرا گزارش مالی مؤسسه را منتشر نمی‌کنند؟ گفت: "یکی از ارکان محک از روز اول شفافیت بوده و اصولاً ضامن موفقیت محک شفافیت است. اطلاعات گزارش مالی ما حتی روی سایت محک قرار داده شده است. یکی از دلایل دریافت گواهی "اس جی اس" این است که محک اولین مؤسسه است که در خاورمیانه گزارش مالی تفکیک شده و به ریز در اختیار همگان قرار داده است، چرا که ما خود را در قبال افرادی که یاوران و حامیان محک هستند و در برابر افکار عمومی جامعه پاسخ‌گو می‌دانیم.

محک شاید اولین مؤسسه است که به سازمان بازرسی کل کشور مراجعه کرده و از آن‌ها راهنمایی خواسته که چگونه عمل کند تا اگر روزی این سازمان به محک آمد تمامی آن‌چه را می‌خواهد وجود داشته باشد.

محک سازمانی است که حساسی و بازرسی دارد. شعار ما این است که درهای محک، همواره به روی هر کسی که سؤالی در ذهن‌اش از نحوه فعالیت محک نقش بسته است باز است و همواره مشتاق پاسخگویی هستیم."

سعیده قدس بنیان‌گذار محک، با تأکید بر این که مسئولیت اجتماعی سابقه‌ای به بلندای تاریخ تمدن بشر دارد گفت: "محک خواستار فرهنگ سازی در بسیاری از زمینه‌های خیریه است. بنا بر دیدگاه ما مسئولیت اجتماعی برگرفته از مسئولیت مدنی است که مفهومی جهانی است و به مسئولیت‌هایی که متوجه هر شهروند است باز می‌گردد. همه ما به واسطه نوع تربیت خانوادگی، مسائل مذهبی و ... مسئولیت‌هایی را احساس می‌کنیم. ما چون از مزایای حضور مدیران خوب در بخش اقتصادی کشور و حمایت آن‌ها در محک بهره‌مند شدیم، دریافتیم که تبیین و ترویج چنین مفهومی تا چه میزان می‌تواند برای بالا بردن سطح نگرش به امور خیریه و یاری انسان‌ها به یکدیگر مؤثر باشد. این موضوعی است که باید حتماً از کودکی آن را آموزش داد. محک با توجه به فعالیت بیست ساله خود در این زمینه قصد تقسیم این تجربه را با دیگر بخش‌های جامعه دارد."



برگزاری همایش

همایش بین‌المللی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و سرطان کودک با حضور جمعی از مدیران صنایع و اساتید حوزه بازرگانی در سالن آمفی‌تئاتر محک برگزار شد. سخنرانان این همایش دکتر محمد نهالوندیان رئیس هیأت‌مدیره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، دکتر یحیی آل اسحاق رئیس هیأت‌مدیره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران، دکتر شهین دخت خوارزمی استاد دانشگاه، مهندس شریف نظام مافی مدیر عامل شرکت بولر ایران، دکتر لیلا کرباسی‌زاده نماینده Global Compact، شهرزاد اسفرجانی مدرس تبلیغات و برندینگ و مشاور مدیرعامل محک در امر تبلیغات، دانیل برنیک مدیرعامل اتاق بازرگانی ایران و آلمان و مهندس احمدیان مدیرعامل محک بودند. این همایش دارای بخش ویژه‌ای بود که به تجلیل از مهندس محسن خلیلی، عضو هیأت‌نماینده‌گان اتاق تهران با بیش از نیم قرن سابقه فعالیت در زمینه مسئولیت اجتماعی مدیران و عضو هیأت‌امنا محک اختصاص داشت.

در ابتدای همایش، احمد پورفلاح دبیر همایش و عضو هیأت‌امنا و مشاور عالی هیأت‌مدیره محک و عضو هیأت‌نماینده‌گان اتاق

بازرگانی و صنایع و معادن تهران و ایران، ترویج اندیشه‌والای کمک به‌همنوع و ایجاد آگاهی در خصوص مفهوم دقیق مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و فواید دو سویه آن و نهادینه کردن این مفهوم در میان سازمان‌ها و شرکت‌های اقتصادی را از اهداف این همایش برشمرد. آراسب احمدیان مدیرعامل محک با ارائه نظرات صاحب‌نظران علوم مدیریت در دنیا در ارتباط با موضوع CSR و بررسی استانداردهای بین‌المللی موجود در جهان که بر این پایه تنظیم شده‌اند، نگاه محک به موضوع مسئولیت اجتماعی را فراتر از یک فعالیت اعانه‌ای خاص دانست و آن را به عنوان زیرساختی فرهنگی و پایدار برای توسعه معرفی کرد. وی افزود نگاه محک به مفهوم مسئولیت اجتماعی یک دیدگاه خیریه‌ای نیست، بلکه یک فعالیت زیرساختی و فرهنگی است. ما به دنبال آن هستیم تا این مفهوم را در کنار سودآوری که هدف اصلی بنگاه‌های اقتصادی است، به یکی از مهم‌ترین وظایف و ارکان سازمان‌ها تبدیل کنیم. وی در ادامه گفت: "درحقیقت برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، فرصتی برای سازمان‌های غیردولتی است که انواع آن‌ها اعم از انجمن‌های حمایتی، انجمن‌های علمی و سازمان‌های

ارائه‌کننده خدمات عمومی می‌توانند از این فرصت برای توسعه منابع خود استفاده نمایند. یکی از نکات مهمی که می‌تواند به عنوان نگاه به آینده، مورد توجه مدیران سازمان‌های غیردولتی و مدیران بخش خصوصی قرار گیرد، استفاده از ظرفیت‌های موجود در سازمان‌های غیردولتی برای انجام پروژه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به جای پرداختن مستقیم شرکت‌ها به امور خیریه‌ای است. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یک ارتباط دو سویه و هدفمند است و ضروری است که سازمان‌های غیردولتی با شناخت ادبیات بنگاه‌های اقتصادی، پروژه‌های مسئولیت اجتماعی را بر مبنای مؤلفه‌های مدیریت توجیه، تعریف و گزارش نمایند."

در ادامه همایش، دکتر محمد نهالوندیان رئیس هیأت‌مدیره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، این پرسش را مطرح کرد: "هدف شرکت‌ها چیست؟" وی در پاسخ، توجه به مفاهیم اخلاقی در شرکت‌ها در بُعد نیت و بُعد نهادسازی را مهم‌ترین هدف دانست و تأثیر ترویج مفهوم مسئولیت اجتماعی را کاهش بی‌اعتمادی دانست و سخنان خود را با ابراز امیدواری از این که در مسیر ترویج این مفهوم سریع‌تر گام برداریم به پایان رساند. دکتر شهین دخت

خوارزمی، روان‌شناس، متخصص ارتباطات و استاد دانشگاه، از دیگر افرادی بود که به بیان مفهوم مسئولیت اجتماعی و اهمیت و جایگاه آن در کشور پرداخت. وی گفت: "مردم با عملکرد درست، زمینه را برای تشکیل جامعه مدنی فراهم می‌نمایند."

محک نیز از اجزاء جامعه مدنی و مردمی است که به خوبی توانسته است جایگاه واقعی خود را دریابد و با طرح مفهوم مسئولیت اجتماعی این موضوع را برجسته سازد. اندیشه مسئولیت اجتماعی به بنگاه‌ها کمک می‌کند در مسیر توسعه پایدار قدم بردارند. اشاره این مفهوم به انسان متعالی و احترام به جایگاه و شأن انسانی است. در این جلسه، نمایندگان دو رکن مهم جامعه گردهم آمده‌اند، اعضای اتاق بازرگانی و اعضای محک که با هم‌فکری برای تحقق هدفی انسانی و متعالی، به حل یکی از چالش‌های مهم جامعه ایران یعنی "سرطان کودک" بپردازند. مسئولیت اجتماعی به معنای احساس مسئولیت در قبال سرنوشت و کیفیت زندگی ذی‌نفعان درون سازمان (کارکنان و خانواده‌های آنان) و نیز احساس مسئولیت در قبال مسائل اجتماعی جامعه‌ای که در آن حضور دارند.



سخنران بعدی این همایش، دکتر لیلا کرباسی زاده نماینده Global Compact گفت: "مسئولیت اجتماعی در سازمان ها و نهادهای اقتصادی بر وظایف سازمان در قبال جامعه تأکید دارد، نه بر چگونگی صرف سرمایه در بخش های مختلف جامعه." کرباسی زاده مهم ترین دلایل مورد توجه قرار گرفتن موضوع مسئولیت اجتماعی از سوی سازمان ملل متحد را مورد بحث قرار داد و گفت: "افزایش بالا رفتن اعتماد، تلاش برای پایدار کردن مسئولیت اجتماعی، مطرح شدن این مفهوم به عنوان یکی از مهم ترین نگرانی های جامعه بشری امروز، جهانی شدن این موضوع و ... مهم ترین دلایل مورد نظر سازمان ملل می باشد."

این همایش با تقدیر از مهندس محسن خلیلی، پدر صنعت ایران به پاس بیش از نیم قرن فعالیت ایشان در زمینه مسئولیت اجتماعی ادامه یافت. خلیلی در سخن خود، درک و عمل به مسئولیت اجتماعی را به عنوان مفهومی که انسانیت و ارتقای جایگاه انسانی را در نظر دارد ضروری دانست و افزود: "اگر ما نوع نگرش و جهان بینی خود را متحول نکنیم، نمی توانیم موفق شویم. مسئولیت اجتماعی یعنی انسانیت، اگر ما از ارزش های والا برخوردار نباشیم نمی توانیم کارهای اساسی را به انجام برسانیم." شریف نظام مافی مدیر عامل شرکت بولر ایران، یکی دیگر از سخنرانان این همایش، مسئولیت اجتماعی را با مثالی در خصوص شرکت بولر به عنوان یک مدل مطرح کرد و گفت: "ما در قبال سودی که به دست می آوریم باید نگاهی هم به جامعه داشته باشیم. مسئولیت اجتماعی به ما کمک می کند تا بتوانیم دین خود را به جامعه ادا کنیم." وی هم چنین به اهمیت سازمان های مردم نهاد در تحقق اهداف اجتماعی بنگاه های اقتصادی اشاره کرد و افزود: "اولین دغدغه مدیران بنگاه های اقتصادی، اداره مؤسسه شان است و معمولاً با توجه به سنگینی کارشان فرصت پرداختن به کارهای اجتماعی درون سازمان خود را ندارند. از این رو وجود سازمان های

مردم نهاد مانند محک که بر اساس برنامه هایی هدفمند که زمینه همکاری با بنگاه های اقتصادی را در خود فراهم کرده اند، باعث تحقق اهداف اجتماعی یک بنگاه اقتصادی می گردد." یحیی آل اسحاق رئیس هیأت مدیره اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران نیز گفت: "مسئولیت اجتماعی از مهم ترین امور است. مدیر فرهیخته مدیری است که بتواند این مفهوم را به عنوان یک اصل اخلاقی و اقتصادی در سازمان خود به کار گیرد."

دانیل برنیک مدیر عامل اتاق بازرگانی ایران و آلمان سخنان خود را با معرفی و تعریف مسئولیت اجتماعی، تأثیرات آن در جامعه و زمینه های بکارگیری این مفهوم آغاز کرد و گفت: "مسئولیت اجتماعی مفهوم عمیقی است و ما به دنبال آن هستیم که حیطه تأثیر آن را در زمینه های دیگری هم چون محیط زیست، محیط کار و کارگران و ... گسترش دهیم."

شهزاد اسفرجانی مدرس تبلیغات و برندینگ و مشاور مدیر عامل محک در امر تبلیغات سخنان خود را با طرح این سؤال که هدف از فعالیت اقتصادی چیست آغاز کرد و در ادامه افزود: "مسئولیت اجتماعی فقط کشیدن چک نیست، بلکه تعهد و وظیفه اخلاقی مؤسسه در قبال جامعه ای است که در آن تجارت و فعالیت می کند." اسفرجانی در معرفی مفهوم استراتژی نیک خواهی گفت: "این استراتژی یعنی فعالیت برای آفریدن زندگی بهتر برای خود و دیگران. ما در خاک و جامعه ایران متولد شده ایم. از خاک، آفتاب، اندیشمندان سرزمین مان بهره گرفته ایم، حال به این بیاندیشیم که برای این کشور و مردم آن از ما چه یادگار خواهد ماند."

در پایان، تمامی شرکت کنندگان در همایش، بیانیه آن را که بر پایه مفهوم مسئولیت اجتماعی تنظیم شده و توسط احمد پورفلاح، دبیر همایش قرائت شد، امضا کردند. امید است این همایش سبب گسترش مفهوم مسئولیت اجتماعی در جامعه و جلب توجه مؤسسات بیشتر به این مفهوم گردد.

بیانیه اولین همایش بین المللی مسئولیت اجتماعی شرکت ها و سرطان کودک

امر مشارکت اجتماعی و انجام کار خیر در سنت ها، آداب قومی و هم چنین در اعتقادات دینی ما ریشه دارد. در کنار دولت ها، پایه های ابتدایی و اولیه سازمان های خیریه غیردولتی در ایران به صورت مشارکت مردمی در دستگیری از مستمندان، تأسیس پرورشگاه، درمانگاه، مدرسه و ... به دست نیکوکاران و معتمدان محلی شکل گرفته است. امروز نیز کمک های اهدایی مردم به محک در قالب نذورات، تداوم همان اندیشه و اعتقاد در طول تاریخ این سرزمین است. در کنار آن در دنیای صنعتی امروز مباحثی هم چون "مسئولیت اجتماعی شرکت ها" مطرح است که محور های نوین جلب مشارکت عمومی هستند و لازم است سازمان های غیردولتی با شناخت این محورها، از منابع ناشی از آن ها بهره مند گردند.

در اولین کنفرانس بین المللی مسئولیت اجتماعی شرکت ها که به ابتکار مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان "محک" و با حمایت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در ۲۶ بهمن ماه سال ۱۳۸۹، مصادف با روز جهانی سرطان کودک برگزار شد، سازمان های غیردولتی ایرانی به عنوان بازیگران اصلی عرصه جامعه مدنی و بنگاه های اقتصادی به عنوان مخاطبان بلامنازع عرصه اقتصاد، با شناخت دقیق موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت ها و ابعاد و الزامات داخلی و بین المللی حاکم بر آن که حاصل هم فکری و تشریک مساعی در این کنگره بوده است و با آگاهی از استانداردهای موجود در این حوزه هم چون برنامه جهانی Global Compact و استاندارد سری ISO 26000 دوره دوساله ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ را دوره توسعه و ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت ها می نامند و در این دوره تلاش مشترکی را برای دستیابی به اهداف زیر انجام خواهند داد:

۱. افزایش ظرفیت سازمان های غیر دولتی ایرانی برای تدوین و اجرای پروژه های مسئولیت اجتماعی
۲. ترویج مفهوم مسئولیت اجتماعی و منافع دو سویه آن برای بنگاه های اقتصادی از طریق اتاق های بازرگانی
۳. تلاش مشترک برای ایجاد مشوق های مناسب برای شرکت هایی که داوطلبانه به انجام مسئولیت های اجتماعی می پردازند.
۴. ترویج مفهوم مسئولیت اجتماعی توسط سازمان های غیر دولتی در جامعه و ایجاد ارزش در میان افکار عمومی جامعه برای شرکت هایی که به آن عمل می نمایند.

امید است در دومین کنگره بین المللی مسئولیت اجتماعی که در بهمن ماه ۱۳۹۱ برگزار خواهد شد، میزان موفقیت ذیربطان در دستیابی به این اهداف بررسی و برای یک دوره دوساله دیگر هدف گذاری شود.



۳. ترویج نیکوکاری

چنانچه هریک از کارمندان شرکت شما با پرداخت ۱۰,۰۰۰ ریال از حقوق خود به عنوان اعضای مؤسسه محک، این مؤسسه را در درمان کودکان مبتلا به سرطان یاری نمایند و شرکت، مسئولیت جمع آوری و اهدای یکجای این وجوه را فراهم آورد، منابع مالی پایدار برای دستیابی سازمان محک به اهدافش ایجاد می شود.



۴. کالا یا خدمت شما، محلی برای خدمت محک

محصول یا خدمات شما می تواند حاوی اطلاعاتی در مورد محک باشد. از طریق اطلاع رسانی درمورد فعالیت های مؤسسه محک و برقراری ارتباط با محک می توان خانواده های زیادی را که با بحران بیماری کودکان مواجه شده اند به موقع و در کوتاه ترین زمان به مؤسسه و بخش خدمات حمایتی مرتبط کرد.

پروژه های مسئولیت اجتماعی شرکت ها (قابل اجرا در مؤسسه خیریه محک)

۱. ایستگاه قلک محک

چنانچه شرکت شما، دفتر، فروشگاه یا شعب خود را به عنوان ایستگاه توزیع و جمع آوری قلک های محک تعیین نماید، از طریق امکان مراجعه افراد برای تحویل قلک پر شده یا دریافت قلک خالی به این دفاتر ضمن به موقع انجام شدن این فرآیند، صرفه جویی زیادی در هزینه های توزیع و جمع آوری انجام می شود.



۲. تحرک زندگی برای کودکان بهبودیافته

شرکت شما که محرک چرخ های صنعت است می تواند از طریق تأمین پروژههای مورد نیاز کودکان مبتلا به سرطان، حرکت را به زندگی این قهرمانان کوچک زندگی اهدا نماید.

۵. ساختمان سبز، استفاده از انرژی های تجدیدپذیر

شما می توانید با کمک به تجهیز ساختمان بیمارستان محک به تجهیزات لازم برای تولید انرژی های تجدید پذیر، ما را در استفاده کمتر منابع سوخت فسیلی و ترویج استفاده از انرژی های نوین پاک و تجدیدپذیر یاری دهید.

۶. صرفه جویی در مصرف برق

تبدیل هزینه های سربار به هزینه های پربار درمان

بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک با مساحت ۱۸۰۰۰ متر مربع تعداد زیادی لامپ روشنایی دارد. استفاده از روش های اتوماسیون در کنترل مصرف انرژی مانند فتوسل می تواند به کاهش هزینه های سربار سازمان منجر شود. این امر در شرایط کنونی که هدفمندی یارانه ها اجرا می شود از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا هر کیلو وات مصرف کمتر می تواند به چند قطره داروی بیشتر برای درمان کودکان مبتلا به سرطان تبدیل شود.

۷. صرفه جویی در مصرف آب

هر قطره مصرف کمتر چند قطره داروی بیشتر برای درمان

بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان محک هرروز پذیرای بالغ بر ۶۰۰ نفر شامل بیماران و خانواده های آنها، کارکنان کادر درمانی، ملاقات کنندگان، نیکوکاران و ارباب رجوع است. وجود این تعداد افراد مصرف آب زیادی را به همراه دارد. استفاده از روش های اتوماسیون در کنترل مصرف آب مانند شیرهای اتوماتیک می تواند به کاهش هزینه های سربار سازمان منجر شود. این امر در شرایط کنونی که هدفمندی یارانه ها اجرا می شود از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا هر قطره مصرف کمتر می تواند به چند قطره داروی بیشتر برای درمان کودکان مبتلا به سرطان تبدیل شود.

۸. محک و سازمان شما

پروژه های معرفی شده فوق، بر اساس نیازهای سازمان محک طراحی و تعریف شده است. از آن جا که مسئولیت اجتماعی شرکت ها یک ارتباط دوسویه مابین سازمان های غیردولتی و بنگاه های اقتصادی است، این احتمال وجود دارد که پروژه های معرفی شده در حوزه فعالیت یا علاقه مندی سازمان شما نباشند. در این صورت بخش جلب مشارکت های مردمی محک آماده طراحی پروژه مسئولیت اجتماعی در چارچوب علاقه مندی سازمان شما و نیازهای محک می باشد. در صورت علاقه مندی به انجام هر یک از پروژه های جاری یا طراحی پروژه متناسب با فعالیت سازمان شما، با بخش جلب مشارکت های مردمی محک تماس حاصل فرمایید.

تلفن جلب مشارکت: ۸۹-۱۰۸۸-۲۳۵۰ / ۲۳۵۰۱۲۴۷



بر اساس بیانیه مأموریت، "محک" سازمانی است که علاوه بر فعالیت در زمینه سرطان کودک، همواره به ترویج اندیشه والای کمک به هم نوع می اندیشد؛ از این رو این بخش از خبرنامه محک را به معرفی مؤسسه های خیریه ثبت شده اختصاص داده ایم. خیریه هایی که علاقه مند به معرفی فعالیت های خود می باشند، می توانند با شماره تحریریه خبرنامه تماس حاصل نمایند.

انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان استان آذربایجان غربی (امید)

بیست سال پیش با توجه به آمار بالای بیماری سرطان در استان آذربایجان غربی و استان های همجوار و با توجه به نبودن تسهیلات درمانی، به ویژه امکانات پرتودرمانی و مشکلات بیماران در مراجعه به دیگر مراکز پرتودرمانی کشور، به همت جمعی از نیکوکاران، "انجمن خیریه حمایت از بیماران مبتلا به سرطان استان آذربایجان غربی (امید)" با هدف حمایت از بیماران مبتلا به سرطان و خانواده آنان و ایجاد مراکز درمانی به ویژه رادیوتراپی تأسیس شد.

بیمار با بیش از ۶۰۰ هزار تابش های درمانی با پرتوهای درمان گر انجام شده است. شیمی درمانی حدود ۷۷۰۰۰ بیمار و ویزیت بیش از ۶۵۰۰۰ بیمار از دیگر فعالیت های درمانی این مرکز است.

ارتباط با انجمن:

www.omidcharity.org
omidhospital_ir@yahoo.com

نشانی: ارومیه، شهرک فرهنگیان، نبش خیابان ۳۲ متری شهرک،

مرکز پژوهشی و درمانی امید

تلفن: ۰۴۴۱-۳۸۳۴۹۴۹ و ۰۴۴۱-۳۸۶۴۵۵۵

تلفکس: ۰۴۴۱-۳۸۲۴۴۴۷

شماره حساب های انجمن:

• بانک تجارت: ۱۱۱۱ (کد ۱۲۰۲۰)

• بانک سپه: ۱۰۰۱ (کد ۱۴)

• بانک ملی: ۱۳۱۴ (کد ۱۵۰۶)

این انجمن کاملاً خیریه و غیرانتفاعی بوده و زیر نظر هیأت امناء و هیأت مدیره منتخب فعالیت می نماید. پس از تشکیل انجمن با تلاش های فراوان و همت مردم نیکوکار، زمین و نقشه فاز اول مرکز پژوهشی و درمانی امید تهیه و از سال ۱۳۷۵ به تدریج بخش های شیمی درمانی، ماموگرافی و رادیوتراپی شروع به کار نمودند. بخش پرتودرمانی مرکز امید با کادر درمانی مجرب و دلسوز، با دو دستگاه کبالت خارجی و یک دستگاه کبالت داخل حفره ای و یک دستگاه سیمیولاتور در خدمت بیماران بوده و از سال گذشته نیز دستگاه شتاب دهنده خطی در درمان بیماران مورد استفاده قرار می گیرد. قرارداد خرید یک دستگاه شتاب دهنده خطی نیز امضاء شده است. اینک در بخش شیمی درمانی و پرتودرمانی مرکز امید ارومیه چهار پزشک متخصص و فوق تخصص به صورت تمام وقت و ۱۶ نفر تکنسین و پرستار و ۲۵ نفر کارمند اداری و خدماتی مشغول به کار هستند. اعضاء داوطلب انجمن در گروه های بانوان، جوانان و دانش آموزان به صورت داوطلبانه در جذب کمک های مردمی و فعالیت های انسان دوستانه برای رفاه بیماران، فعالیت قابل تحسینی دارند. در طول این مدت تا بهار سال ۱۳۹۰ خدمات پرتو درمانی و ماموگرافی برای حدود ۱۷۰۰۰

۳- من توان کمک مالی ندارم چگونه می توانم به محک کمک کنم؟

شما می توانید با عضویت در گروه داوطلبان با در اختیار قراردادن زمان و توان مندی خود برای محک گران بهاترین کار را انجام دهید. شماره تماس بخش داوطلبان ۲۳۳۲۰۱۳۵۰ می باشد.

۴- چرا محک بیماران بزرگ سال را قبول نمی کند؟

رسالت محک حمایت از کودکان مبتلا به سرطان و خانواده هایشان است و این نهاد مردمی در اساسنامه خود نیز این گروه را مد نظر گرفته است. مؤسسات خیریه دیگری در حال فعالیت هستند که بیماران بزرگ سال را تحت حمایت قرار می دهند.

۵- آیا مؤسسه محک از بودجه های دولتی استفاده می کند؟

محک یک سازمان مردم نهاد غیردولتی، غیرانتفاعی و غیرسیاسی است و براساس تعریف، چنین سازمان هایی با بودجه دولتی اداره نمی شوند و از طریق جلب کمک های مردمی فعالیت می کنند. به طور مثال بودجه سال ۱۳۸۹ محک حدود ۲۳ میلیارد تومان بوده است که همه آن توسط یاوران محک که نسبت به جامعه و کودکان مبتلا به سرطان احساس مسئولیت می کردند، تأمین شد.

۶- وب سایت محک جذاب نیست، چرا وب سایت محک را حرفه ای تر نمی کنید؟

سایت جدید محک در حال راه اندازی است و درسایت جدید کوشیده ایم تمام مواردی که مورد نیاز است را بگنجانیم. بعد از بارگذاری سایت با طراحی جدید، خواهشمندیم ما را از نظرات خود با تماس با روابط عمومی محک ۲۳۵۰۱۲۸۵ بهره مند سازید.

برای مطرح کردن سؤالات، انتقادات و پیشنهادات خود می توانید با شماره تلفن ۲۳۵۰۱۱۸۰، بخش تضمین کیفیت محک تماس حاصل نمایید.

الو محک

این ها برخی از پرسش هایی است که در صندوق صوتی بخش تضمین کیفیت محک مطرح شده است. ممکن است بعضی سؤالات زیر مورد نظر شما نیز باشد.

۱- من عضو محک هستم چرا خبرنامه برای من نمی آید ولی برای همسایه ما می آید؟

خبرنامه محک برای تمام یاورانی که نامشان در بانک اطلاعاتی محک ثبت شده است ارسال می شود. اگر خبرنامه به دست شما نمی رسد، نخست آدرس و شناسه عضویت خود را با بخش عضویت محک ۲۳۵۰۱۱۲۴ کنترل نمایید؛ سپس کنترل کنید که در برگه عضویت گزینه دریافت خبرنامه را علامت زده باشید. بعد از موارد فوق اگر خبرنامه به دست شما نمی رسد با روابط عمومی محک ۲۳۵۰۱۲۹۰ تماس بگیرید تا مشکل شما بررسی شود. ۲- من قلک محک را در خانه دارم، هر چند ماه یک بار تعدادی خبرنامه برای من می آید در حالی که یک خبرنامه برای من کافی است.

شما در هر بار دریافت قلک با شماره شناسه جدید و یک نشانی ثابت برای دریافت قلک اقدام نموده اید و نام و نشانی شما با شناسه های مختلف در سامانه محک ثبت شده است از این رو چندین خبرنامه برای شما می آید. البته محک در صدد است تا سامانه ثبت یاوران خود را تغییر دهد تا دیگر از این نوع مشکلات نداشته باشیم. از شما نیز خواهش می کنیم خبرنامه های اضافی محک را در اختیار دوستان و آشنایان قرار دهید تا افراد بیشتری با محک آشنا شوند. هم چنین با ما تماس بگیرید تا بتوانیم در رفع این مشکل اقدام کنیم.

چه نیکو سرشت و نکو آدمی

تو کز محنت دیگران در غمی

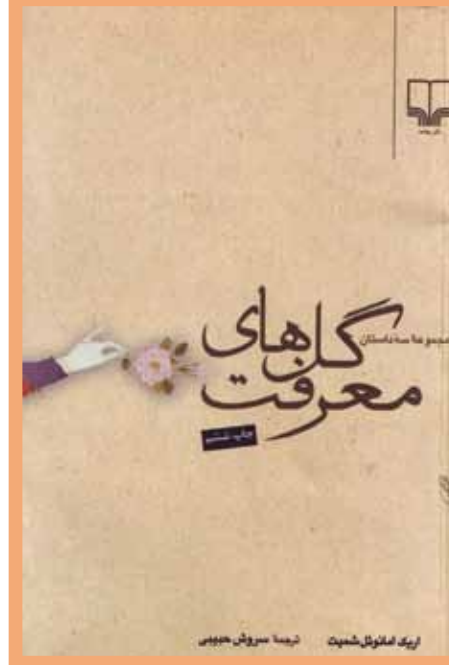
به آلام هم نوع خود مرهمی

به یاری اندک توانی نهاد

اسکار و بانوی گلی پوش (داستانی از کتاب گل‌های معرفت)

"اسکار و بانوی گلی پوش"، از داستان‌های کتاب "گل‌های معرفت" | نوشته اریک ایمانوئل اشمیت | ترجمه سروش حبیبی | نشر چشمه | قیمت ۳۲۰۰ تومان

این داستان نامه‌های یک کودک مبتلا به سرطان به خدا است. "اسکار" به توصیه "مامی‌رز" (بانوی گلی پوش، پرستارش) تصمیم می‌گیرد برای خدا نامه بنویسد و روزی یک چیز از او بخواهد.



- خیلی خوب، پس می‌تونم هر چی خواستم بهش سفارش بدم؟ مثلاً اسباب بازی، شکلات یا اتومبیل ...

- نه اسکار، خدا که بابانوئل نیست. تو فقط می‌تونی چیزای ذهنی‌اش بخوایی.

- مثلاً؟

- مثلاً شجاعت، صبر، روشنی!

- خوب، فهمیدم.

- از این گذشته، می‌تونی برای رفیقات‌اش چیزی بخوای!

- با روزی یه خواهش، مامی‌رز؟ نه، باید صرفه جویی کنم.

فعلاً خواهش‌هام رو برای خودم نگه می‌دارم.

اسکار روزی یک خواهش از خدا می‌کند و فردایش در انتظار برآورده شدن است. یاد می‌گیرد برای کسی که دوست دارد هم چیزی بخواهد و ...

اسکار از مامی‌رز صبر، بخشش، عشق و ... یاد می‌گیرد. در متن نامه‌ها رشد فکری او به خوبی محسوس است. اما این تنها اسکار نیست که متحول می‌شود. مامی‌رز هم پا به پای او شادتر و فهمیده‌تر می‌شود. هر دو بازی‌ای را شروع می‌کنند که از نکات جالب و پرمفهوم داستان است. دوازده روز به پایان سال مانده و هر روز را به ازای ده سال فرض می‌کنند. اسکار روز اول متولد می‌شود و سر ظهر پنج ساله و آخر شب ده ساله می‌شود. در انتها گویا اسکار زندگی را تا به انتها می‌رود.

این داستان در سال ۱۳۸۸ توسط مصطفی قربان‌پور در بیمارستان محک در قالب یک تله‌فیلم ساخته شد.

شماره عضویت:

یاور گرامی با توجه به اینکه اطلاعات زیر وارد کامپیوتر خواهد شد خواهشمند است در تکمیل فرم دقت فرموده و اطلاعات خواسته شده را به تفکیک درج نمایید و پس از تکمیل فرم را به موسسه عودت دهید.

نام و نام خانوادگی را به صورت پیوسته و مجزا بنویسید.		کد ملی
نام خانوادگی		نام خانوادگی
روز	ماه	سال
تاریخ تولد		شماره شناسنامه
شغل تحصیلات رشته تحصیلی		
آدرس پستی: استان شهر/شهرستان خیابان		
خیابان فرعی کوچه پلاک طبقه		
کدپستی صندوق پستی		
تلفن منزل تلفن محل کار تلفن همراه		
دورنگار پست الکترونیک		
از چه طریقی با موسسه محک آشنا شدید؟		
معرف	بازار	دفاتر
سایر (لطفاً نام ببرید)		

حق عضویت و کمک‌های غیر نقدی:

☐ ماهیانه ۱۰,۰۰۰ ریال
 ☐ ماهیانه ۵۰,۰۰۰ ریال
 ☐ ماهیانه ۱۰۰,۰۰۰ ریال
 ☐ ماهیانه ۳۰۰,۰۰۰ ریال
 سایر مبالغ (با ذکر مبلغ)

در صورتیکه در شهر تهران ساکن هستید، لطفاً به سوال زیر پاسخ دهید

آیا شما مایل به پرداخت حق عضویت از طریق مراجعه پیک محک میباشید؟ (به صورت رایگان و با هماهنگی قبلی) بلی ☐ خیر ☐

در صورتی که علاقمند به مشارکت مستقیم در فعالیتهای موسسه محک می‌باشید، می‌توانید با مراجعه به یکی از دفاتر محک و تکمیل فرم عضویت محک را بصورت داوطلبانه یاری فرمایید.



Where were the first bazars held and what kinds of goods were sold there?

The first bazaar was held in the assembly halls of Es-kan towers, where talented and kind hearted ladies would stay up all night to make hand –made bags with embroideries, cakes, beautiful little sacks to put tea in, candles, ceramic ware, and all sort of articles. I don't remember how much the first bazaar made, but the second bazaar made 30 million plus the volunteers' membership and the donations of the members of MAHAK.

How were you able to build Darabad?

Remember one of the most important objectives was to build shelter for the families of the children with cancer, during their child's treatment. It was the main goal as some of the smaller siblings who traveled with their parents so far from their home town had no place to stay. The start of the Darabad building was when we had collected enough money from the bazars to buy land. After raising enough money from the bazars, we decided to buy a piece of land. We succeeded in buying a 4700 meters land on the beautiful hillsides of Darabad. Now, we had to worry about building our shelter on this land. It did not take long, when Mr. Karbassi-zadeh who wanted to make his wife's wishes came true appeared. Through friends he had become acquainted with the name of "MAHAK" and may god rest his soul in peace Mr. Mojtaba Kashani arranged a meeting for me to meet Mr. Karbassi-zadeh. It was then that Mr. Khak-pour, one of the biggest supporters of MAHAK, gave Mr. Karbassi-zadeh all the information, and all the plans for the building, to be studied. After about a week, Mr. Karbassi-zadeh gave his approval on the plan- but

he had one condition: His wife "Afsaneh Dabiri" god rest her soul in peace had insisted on the fact that the building had to be in the form of a hospital not a shelter. On his next trip, Mr. Karbassi-zadeh with the presence of the mayor, and the approval of the expansion of the building – invested 2 Billion Toman to start the construction. Mrs. Afsaneh although very sick, made the trip to Iran to see the outline of the building – but unfortunately- she was no longer with us- when the Hospital was inaugurated. She left this world on the 25th of Khordad. In her memory, we have named that date "MAHAK's Philanthropy Day". The hospital was officially opened on the year 1386.

How do you see MAHAK's future?

I am sure with the presence of our doctors, scientists, and specialists if nothing unexpected happens, MAHAK will always be supported by the people either as a charity organization or as a specialized hospital. I hope MAHAK will be set as an example for other similar organizations to show the ability of the society in supporting humanitarian deeds, and also MAHAK will be able to keep up its high level international standards for children with cancer and their families who are the it's main beneficiaries. I hope soon or maybe even now as I speak, we can claim that an Iranian child say from Zabol is getting the same treatment as a child from London or New York is getting.

A group of pioneers:

Shahla Taheri, Sohi Shokraei, Soheila Siahpoush, Azar Keyvan, Jila Mohammadi, Farideh Sabbagh, Evelyn Khamsi, Mahrou Mozaffari, Katayoun Nami, Ladan Arasteh



MAHAK recognizes
no frontiers for **Love**

The principle motivation of MAHAK, the Society to Support Children Suffering from Cancer, is the Love of Humanity, which recognizes no geographical borders or limits. Not only are Iranian children from all over the country being treated, but our remedial services extend to refugee children from the neighboring countries. With MAHAK's support and facilities, the parents can concentrate on their child's treatment and the kids can undergo this treatment with hope for the future. The Society counts on your support to expand MAHAK's domain of Love.



A casual conversation with the founder of MAHAK

Saeideh Ghods born in 1330 in Golabdareh, around Darband, became a student in Tehran University majoring in geography – Her last job being as the international relation expert at the ministry of mine. All along Saeideh with her love for mother earth started activities in saving the environment. Saeideh is the author of Kimia Khatun, a book which became very popular and had to be published many times. After getting married, she went to Germany where she studied German literature. Saeideh is the mother of Mehrbod and Kiana who are right now studying at the highest ranking. But the highlight of her life was when she established the institute called “MAHAK”, a charity organization to support children with cancer. In 2008 she won the International Development Bank Prize and her name was mentioned in the “Wall street” edition where 50 distinguished women were introduced due to her effective key role in advancing Social Participation and Development.

How was MAHAK established?

After my daughter became ill, the thought of protecting children with cancer and their families started growing within me. It was a cold winter day in 1357, my 2 year daughter Kiana, was having her monthly check – up when the doctors diagnosed her with an illness that would shake up any mother. Like any mother, hearing this, I went into a denial stage, not accepting the truth. Anyway, after a while with a lot of research and a lot of

consultations with doctors and friends, I found out that cancer is a disease, like any other disease, has its own course of treatment.

During your daughter's treatment, what kind of difficulties did you come across?

There were a lot of difficulties during her treatment. The medicine was scarce and very expensive. As a desperate mother I had to face the unfriendly attitude of nurses and doctors. Not having enough information about cancer and the side effects of the drugs, - all these things made life intolerable- plus my daughter's insufferable disease.

How did the idea of MAHAK take form?

I saw fathers and mothers traveling far from district areas struggling with financial difficulties-not having a place to stay, while their kids were being treated. Sleeping in the hospital yard or in the streets, knowing that cancer is a disease that cannot be a onetime treatment. This might take years and the outcome of all these difficult conditions sometimes resulted in the destruction of a family.

I became intensely preoccupied with the idea of providing a place for the families. I was constantly thinking of what can be done?

I did not have half of their problems but watching them with such problems was awful and the only thing I could do was to share at least my material well being.

How did the first idea take shape?

All that time some of the tests were not performed in Iran, so I had to travel to Germany. There I joined some groups- with parents whose children had cancer – it helped me a lot and I thought what a good idea to form

such an institute in Iran. But unfortunately this could not be done here because of so many different cultures in our society, plus the fact that this disease was kept a secret amongst the families. They were not ready to come out yet. Therefore, I decided that instead of helping the parents I start with the children.

Who were the first people to help you?

My list started with a hundred friends and family members. We held a lot of meetings until only 25 of us stayed to struggle with the problems. I have to say the first person who stood beside me whole heartily was Mrs. Shahla Taheri.

Of course after that – a lot of committees were formed and ladies such as Sohi Shokraei who took control of the volunteering department and Azar Keyvan in the international relations department, Jila Mohamadi in the public relations and lots of others who will be mentioned later on.

In what year did you register MAHAK?

In the year 1370, I registered MAHAK as a charity institute to support children with cancer. But I started this process from 1368 – when our volunteers became active in the governmental hospitals and universities.

Why did you name it MAHAK?

Our volunteers who worked in hospitals, who were helping the parents of the children with cancer – had badges- naming them as supporters for the parents of children with cancer. But because the name cancer was mentioned on their badges- and like I told you before the world cancer was a taboo, we faced a lot of problems, therefore, we decided to take the first initiate of every word, and the word MAHAK was shaped. Of

course, today the word “MAHAK” has an international meaning.

All in all, what kind of problems did you have to deal with to register MAHAK?

The first and the most important problem was that the society could not believe that children could also get cancer, and questioning the idea of why money had to be spent on a child who was going to die anyway instead of spending money on a genius or a talented child.

What did the families and their children with cancer need the most?

Drugs, a place to stay, respect from the nurses and the doctors, information about their child's disease, nutrition, the side-effects of the drugs, also not getting accepted into hospitals and the families' complains showed a need for social workers and psychologists – all these things.

What was the most important goal that you were after in MAHAK?

I pursued the idea of finding decent place for families where they would be accepted with respect and provide them with the facilities to mitigate their pain.

In what period did you feel you had reached your main goal?

Seven to eight years after registering MAHAK as an institute to support children with cancer, I saw the associations to support children with cancer increased and the society accepted this issue problematically. The children and their families were noticed, and special attention was given to them. This was a big step toward the main goal.





سرطان درمان پذیر است

هرساله هزاران کودک، به سرطان مبتلا و درمان می شوند

موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان "محک" از سال ۱۳۷۰ به عنوان یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی فعالیت خود را آغاز کرده است. درطول این سال ها، محک با اعتقاد به اصل شفافیت و پاسخگویی توانسته است به سطح مناسبی از اعتماد در میان مردم دست یابد و با جلب مشارکت آن ها ۱۴۷۰۰ کودک مبتلا به سرطان و خانواده هایشان را زیر چتر حمایت همه جانبه خود قرار دهد که بسیاری از این کودکان بهبود یافته اند. درمان کودکان محک وابسته به کمک های شماست و فقط با مشارکت شما تامین هزینه های درمان کودکان ممکن می شود.

از شما سپاسگزاریم که به پیام ما توجه و آن را مطالعه کردید، مشتاقانه پاسخگوی سوالات شما در زمینه عملکرد خود هستیم.

تلفن روابط عمومی: ۲۳۵۰۱۲۴۳ تلفن جلب مشارکت: ۲۳۵۴۰

